

آقاشیخ ابراهیم - اینجا یک اشتباهی

شده است عقد نامه و نکاح نامه را از قطعیات گرفته اند عقد نامه و نکاح نامه لابد یک امر مالی را دارا خواهند بود متغول یا غیر متغول وجوهی که برای ثبت هست چنانچه سابقاً هم خواندیم دو قسم است یکی قطعی است یکی نسبی است نسبی آنستکه نسبت بمالی که آن سند داراست نسبت بان وجهی گیرند مثلاً ده پانچ یک یکی هم اینستکه مالی دارا نیست که نسبت بان مال یک چیزی بگیرند مثل طلاق نامه که در آن طلاق نامه یک مالی نیست که بگیرند تومانی فلاقتدر باید بمسد این را یک وجهی بطور مفاطمه بگیرند در هر طلاق نامه زنان قدر این را قطعی می گویند که هر چه وکالت نامه باشد طلاق نامه باشد یا نکاح نامه باشد این هارا قطعی بگیرند یکی پنجقران یا یکی یکقران لکن نکاح نامه را قطعی گرفتن صحیح نیست بجهت این که صدقات نامه یک وجهی دارد یا متغول یا غیر متغول است داخل در ماده اول است اگر مغول و نقدی است داخل در ماده ثانی است

وزیر عدلیه - فرمایش آقای مغیر صحیح است ولی بنده با فرمایش ایشان موافق نیستم راست است که عقد نامه و نکاح نامه حقوق ثابت به آن تعلق نمی گیرد می شود که حقوق نسبی به آن تعلق بگیرد ولی بنده عقیده ام اینستکه از برای ما مقتضی اینستکه در عقد نامه و نکاح نامه هم حقوق ثابت بگیریم و پنجقران کفافی است به همان جهتی که ما اجابری نکریم اختیاری نگیریم لازم است که این را هم قطعی قرار بدهیم طلانامه که غالباً قطعی است یعنی ثابت است و مالی ندارد فقط یک طلاق است وای عقدنامه و نکاح نامه زاهد قطعی بگیریم پنجقران بهتر است بجهت اینکه وقتی که آنرا نسبی تصور کردیم و از برای ما مالیکه دارا است عقدنامه کنیم که نباید حقوق ثبت در آنستکه آن وقت ثبت نمی کنند و اگر ثبت بکنند برای ما بهتر است بجهت این که این خودش مقدمه دفتر تجریر نفوس خواهد شد

آقاشیخ ابراهیم زنجانی - آیا یک نکاح نامه فقیریکه پنج تومان صدقات دارد با نکاح نامه کسیکه پنجقران تومانی صدقات دارد مساوی است و از هر دو باید پنجقران گرفت این نمی شود یکی از آن متغول است یک دهی هم در نکاح نامه اش هست از هم پنجقران بدهد یک فقیری هم پنجقران بدهد که صدقات نامه اش دارای پنج تومان است این صحیح نیست باید به نسبت بدهد ولی طلانامه به آنجا قطعی است بجهت اینکه وجهی در بین نیست بله ورمها شده است

وزیر عدلیه - بنده عرض نکردم پنجقران قرار بدهد عرض کردم حقوق ثابت باشد از هر کدام پنجقران یا ده تومان یا یکقران بگیرند چه می خواهند لکن حقوق ثابت باشد که همه بتوانند بدهند و بیاورند ثبت بکنند در دفتر ثبت اسناد نقطه نظر بنده پنجقران نیست آجاها اینکه نباید نقطه نظر را پنجقران قرار داد یکی اینجا است باید حقوق ثابت باشد و نقطه نظر را چیز دیگری که ثبت کردن باشد

بنده پیشنهاد میکنم که مطلقاً دوقران گرفته شود (حاج آقا) رئیس - آقای قمی و حاج دکتر رضا خان پیشنهاد کرده اند که مجانی باشد - حالا ده دقیقه تفصی است بعدازتفصی رای گرفته میشود (بنده از تفصی به رجب قبل از غروب مجدد جلسه تشکیل شد)

رئیس - کاقدی از آقای رئیس الوزرا پرسیده است قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد) مقام ریاست مجلس شورای ملی - چون لازم بود برای معاونت رسمی وزارتچنگ یک نفر شخص امین و کافئ معرفی نمایم لهذا انواب اشرف والا آقای امیر اعظم را بسمت معاونت رسمی وزارت چنگ معرفی می نمایم که مقام ریاست محترم مجلس مقدس مزین اله را بنامت رسماً در مجلس معرفی فرمایند رئیس - رای میکنیم در این پیشنهاد که در

شده است پنج فقره پیشنهاد شده است آقای حاج آقا وحاج شیخعلی و محمد هاشم میرزا پیشنهاد کرده اند که دو هزار باشد و آقای آقا میرزا ابراهیم قمی و دکتر حاج رضاخان پیشنهاد کرده اند که مجانی باشد اول بان پیشنهادهایی که دو قران باشد رای میکنیم (پیشنهاد آقای حاجی آقا قرائت شد که در طلانامه دوقران گرفته شود) رئیس - آقایانی که باین پیشنهاد موافق هستند قیام نمایند (ر د شد) لواءالنوله - بنده پیشنهاد کردم که طلانامه مجانی باشد

رئیس - پس سه فقره پیشنهاد شده است این پیشنهاد آخری را آقای اروا الدوله فرستاده اند یکی هم از حاج دکتر رضاخان و یکی هم از آقا میرزا ابراهیم قمی است هر سه پیشنهاد کرده اند که طلانامه مجانی باشد

آقا میرزا ابراهیم قمی اشخاصی که طلاق میدهند یا طلاق میگیرند بسیاری دیده شده است که از پیریشانی بوده است که زنش را طلاق داده است بخلاصه طلاق انقصال است و در انقصال ضرری است که بر طرفین دارد میشود یا بجهت این تمهیل را بنده پیشنهاد کردم که بر آنها بکنند و مجانی باشد

رئیس - رای میکنیم بر این پیشنهاد آقایانی که موافق هستند قیام نمایند (با اکثریت ر د شد) پنجم - از وکالت نامه مطلق که موضوع قیمتی نداشته باشد (دوقران) دججای دو قران ده تومان نوشته بودند تصحیح شد

دکتر حاج رضاخان - بنده با ده تومان مخالف بودم ولی بادی و قران هم مخالفم وکالت نامه مطلق هم از برای آدمی است متغول که وکالت میدهد کسی زاهد امور است یا مسافری است که می خواهند مسافرت کند و درده تومان که بنده مخالف بودم از برای اینکه ممکن بود که یک کسی ده تومان دارائی داشته باشد و بخواهد و کسبل تمیین کند نمی تواند

ده تومان برای وکالت نامه بدهد و دوزن هم بمینطور بجهت اینکه اگر کسی مالیه اش ده قران باشد که وکیل لازم ندارد البته بیشتر از ده قران است و در اینصورت دوقران کم است و باید بیشتر بدهد همانطور که پیشنهاد شده است

آقاشیخ ابراهیم - وکالت نامه مطلق برای همه کس لازم است باغنیبا اختصاص ندارد وکیل میکنند در کارهایش بلوکیل میکنند که بروزن مرا طلاق بده این یک وکالت نامه کوچککی است به ثروت دخلی ندارد یک کاقد است فلان کس فلانکسی را وکیل کرده است در فلان امر دوقران عیب ندارد

رئیس - اگر مجلس موافق است بگذریم بقره ششم - قرار دادنامه و التزام نامه و استشهادنامه و کلیه اسنادیکه موضوع قیمتی نداشته باشد پنج قران

مهر زالملک - بنده تصور میکنم که ایننامه پنجم و ششم از حیث اسناد خیلی شبیهند بهم ولی چه شده است که از حیث قیمت یک تفاوتی با هم دارد بجهت اینکه وکالتنامه که هیچ موضوع قیمتی نداشته باشد مرادف است باقرارداد و التزامنامه و استشهادنامه اینها قیمتشان یکی است لازم نیست که در یکی پنجقران باشد در یکی دوهزار در صورتیکه آنرا دوقران باشد خیلی بهتر خواهد بود که اینهمه دو قران باشد

آقاشیخ ابراهیم - چون قرار دادنامه و استشهادنامه تفصیلات دارد ولی وکالتنامه مطلق چیز مختصری است که فلان آدم فلانرا وکیل کرد در قرار دادنامه نظر برحمت و کار او بوده و قرار دادنامه نمی دائم بطور باشد این است که نمی توانیم بقیارز این یک قراری بدهیم گویا که سطرگی باشد و کلیه قرار داده شده است پنجقران بدهند

محمد هاشم میرزا - بنده هم میکنم پنج هزار دینار زیاد است حالا دو هزار کم است سه هزار بشود

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده عرض میکنم صفحه بهیچوجه نمیتواند میزان باشد مگر اینکه میزان سطر و کلمات سطر باشد

آقاشیخ ابراهیم - صفحه وسط زمین خواهد شد دیگر تمیین کردن آن در اینجا صحیح نیست

وزیر عدلیه - امتحان هم شده است در وزارت عدلیه که گفته اند صفحه باید دارای چند سطر باشد و سطر دارای چند کلمه اینها هم گفته شده است آنوقت مثل نگر افتاده خیلی اشخاص نشسته اند و مشغول شدند بسطر شدن و بقالی رفت متداعین تلف شده است و حالا هم اینطوریکه شما میفرمایید تا برود بشمارد که کاین صفحه هزار کلمه است بمالی اسناد مردم زمین میسازند

نهم - تصدیق مطابق بودن سواد باصل - دو قران - حاج وکیل الرعایا - بنده گمان میکنم که اینطوریکه راجع بدوقران است اینمذاکرات در آنجا زیاد است حتی اینکه این توضیح خودم دراهم زبانی میدانم برای اینکه دوقران را باید ملاحظه کرد که چند نفر درس این کار معطل خواهند بود و همه آنها حقوق خواهند خواست

رئیس - موافقت

قراری داده شد و رای هم داده شد که هفت کمر طول پنج کمر عرض داشته باشد اما سطرها معین نشده اگر معین شده بود فقیری برای رای دامن بهتر بود (پیشنهاد آقای افتخار الواعظین قرائت شد که در ماده هفتم بنده پیشنهاد میکنم از صفحه بگذریم بقره ششم)

رئیس - آقایانیکه باین پیشنهاد موافقت قیام نمایند (ر د شد) هشتم - سواد سند از هر صفحه که نمونه آنرا وزارت عدلیه معین و اعلام نمیناید دوقران

حاج سید ابراهیم - عرض میکنم اینهم مثل آمده است اگر صفحه از آن میزانیکه برایش معین کرده اند کمتر شد چه میشود حتی با تعلق بگیرد چونکه بعضی اسناد است که در نصف صفحه ثبت میشود و البته صورت نوشتن هم حق دارد اینرا چه باید کرد

رئیس - پیشنهادی اگر درباره فرمایند و دکتر حاج رضاخان - بنده در اینجا هم در ماده که تصدیق هویت است عرض میکنم که برای امر همینکه دوزن شد چون ممکن است که اشخاصی باشند که شاید هیچ مفید نباشند که دهتامی و بگذران بدهند اما وقتیکه دوزن شد سختی میکنند از نگاهداری آنهم شاید سرایت میکنند اگر دوزن نباشد شاید خیلی بهتر باشد این است که بنده هم این را ریاست می دانم

آقاشیخ ابراهیم - حرف غریب است کسی که محتاج بصورت است برای عا که باقره صورت را بگیرد یادو قران بایکقران هر چه باشد البته بیبده کاشف - یک اداره باین ترتیبیکه خواننده شد و فقیه خواست بکقوقی بگیرد کتر از دوقران بنده خیلی تعجب میکنم که بطور آقایان میفرمایند که دوزن ربا است و دهتامی بدهد این البته که رفع زحمت طرف رامیکنند و در خیلی چیزها فایده دارند این خیلی غریب است که میگویند دوقران هم بدهد بنده تصور میکنم که کتر از دوقران نمی شود پیشنهاد کرد

آقا میرزا ابراهیم خان - بنده عرض میکنم صفحه بهیچوجه نمیتواند میزان باشد مگر اینکه میزان سطر و کلمات سطر باشد

آقاشیخ ابراهیم - صفحه وسط زمین خواهد شد دیگر تمیین کردن آن در اینجا صحیح نیست

وزیر عدلیه - امتحان هم شده است در وزارت عدلیه که گفته اند صفحه باید دارای چند سطر باشد و سطر دارای چند کلمه اینها هم گفته شده است آنوقت مثل نگر افتاده خیلی اشخاص نشسته اند و مشغول شدند بسطر شدن و بقالی رفت متداعین تلف شده است و حالا هم اینطوریکه شما میفرمایید تا برود بشمارد که کاین صفحه هزار کلمه است بمالی اسناد مردم زمین میسازند

نهم - تصدیق مطابق بودن سواد باصل - دو قران - حاج وکیل الرعایا - بنده گمان میکنم که اینطوریکه راجع بدوقران است اینمذاکرات در آنجا زیاد است حتی اینکه این توضیح خودم دراهم زبانی میدانم برای اینکه دوقران را باید ملاحظه کرد که چند نفر درس این کار معطل خواهند بود و همه آنها حقوق خواهند خواست

رئیس - موافقت

حاج وکیل الرعایا - بلی موافق.
رئیس - بعد از يك مخالف - دیگر مخالفی در این باب نیست میگردیم بدم.
دم - تصدیق اصالت امضاء دوقران.
رئیس - مخالفی نیست (چون مخالفی نبود قفره یازدهم فراتش شد).
یازدهم - تصدیق اینکه درجه تاریخ سندی ثبت شده است - دوقران.
آقا محمد - این خیلی زیاد است کاری ندارد که موجب گرفتن دوقران باشد این هم که می فرماید که در چند درجه چند نفر باید امضاء کنند زحمتی نخواهد داشت و اینکه میگویند دوقران کم است بنده عرض میکنم که خیلی زیاد است.
آقا شیخ ابراهیم - دفتری را ضبط کرده است او را پیدا میکند تاریخش را هم پیدا میکند و سوادش بر دارد و تصدیق نوشته بدهد و مدال کند که این درجه تاریخی ثبت شده است برای این همه کار دوقران نگیرد.
دوازدهم - تصدیق هويت - دوقران.
لواء الدوله - عرض میکنم يك شخصی می آید د تومان قرض میکند و سند آنرا می دهد ثبت می کنند این خیلی فریب است که حالا بجهت اینکه تصدیق این را بیاید بگیرد دوقران بدهد این خیلی زیاد است بنده با کلیه این دوقرانها مخالفم
رئیس - آقای مشیرحضور مجبوره بشوم بشما اخطار کنم.
افتخار الواعظین - بنده هیچکدام از این تصدیقاتی که گرفته می شود از ثبت اسناد با اهمیت این تصدیق نامه نمی دانم که کسی معامله کرده است ام از اینکه کلی باشد یا جزئی و بدینا تصدیق خواهد در اینکه شخص خودش بوده است و دیگری نبوده است و معامله را مستحکم میکند و از تمام گزینگوها و محاسباتی که در عدلیه ممکن است در خصوص معامله از بشود همه را مصون بدارد بنده این يك تومان را زیاد نمی دانم بجهت اینکه این تصدیق نامه نسبت به تمام آن تصدیق نامه های دیگر اهمیتش زیاد تر است و منتهای اهمیت را دارد و بملاحظه همیشه دوقران زیاد نیست.
حاج شیخ اسدالله - بهین دلیلی که می فرماید اهمیت دارد بنده عرض میکنم که زیاد است برای اینکه يك مطلبی که بنده اساساً مخالف بودم بجهت اینکه يك حکمی است که از اداره ثبت اسناد بعد از رسیدگی صادر می شود حالا از آن گذشته اسناد رجوع کردیم چون خیلی اهمیت دارد و خیلی مردم مبتلای باین تصدیق هويت هستند ما باید يك مریزی از برای حقوق این فرار بدهیم که تمام مردم با کمال رضایت بتوانند بروند آنجا و هويت خودشان را ثابت کنند يك شخصی است در شیراز می خواهد هويت خودش را ثابت کند بجهت يك امر سهلی که در تهران است که راجع بمحاکمات است خیلی هم قفره است خیلی هم پریشان است حالا آنجا برود

يك تومان بدهد ندارد آنوقت آن بیچاره چه بکند بنده عرض می کنم بهین دلیلی که این خیلی اهمیت دارد بیک تومان زیاد است و اگر بخواهیم خیلی تحمل باو بکنیم نهایت دوقران است
آقا شیخ ابراهیم - ده قران زیاد نیست چون برای معرفی و تحقیقات خیلی کار دارد
حاجی وکیل الرعایا - آن تصدیق که با دو قران گرفته می شود تصدیقی است که مقدمانش در دفتر هیئت و بعضی مقدمات را لازم نداشته باشد فراهم کند و از دفتر استخراج بکند لکن این برای چه می گوید دوقران برای آنکه این مقدمات را دارا نیست و ابتدائی است باید آن این مقدمات را حاضر بکند و فراهم بیآورد باین جهت بنده ده قران را زیاد نمی دانم
بجهت - بدیهی است که در موقع تصدیق هويت ممکن است که اشکالات پیش بیاید اما همه جا این طور نیست که این اندازه اشکالات پیش بیاید برای اینکه بسیاری از اوقات می شود که زحمتش کمتر باشد آقای مخیر تصور نکنند که اشکالاتش زیاد است و با اشکالات برمی خورند حالا این اتفاقی است اغلب سهل است تصدیق هويت بیشتر از ثبت يك مقدمه یا اطلاعاته خیلی آسان تر است از سه چهار سطر هم بیشتر نخواهد شد خوب است توضیح بفرمایند آن اشکالاتی که در تصدیق هويت پیش می آید آیا در تمام جاهاست چه مقدماتی لازم دارد که در همه جا هست و اگر همه جا اشکال ندارد فقط برای اتفاقات باید يك ماده دیگر علاوه شود و باید دو شق تصور شود.
آقا شیخ ابراهیم - نمی توان تجزیه کرد کارها را اندازه گرفت يك وقت مقدمات لازم دارد و يك وقت با چهار نفر خواهد شناخت يك وقت بیشتر با کمتر يك مریزی خواهد گرفت تصدیق هويت يك تومان زیاد نیست.
دکتر حاج رضاخان - این فرمایشات آقای مخیر که هیچ قانع نمی کند بجهت اینکه ثبت حقوق است ده قران را همه مردم نمی توانند بدهند و ما می توانیم بگوئیم از صد نفر ایرانی لافل هشتاد نفرش لازم باشد که بیاید هويت خودش را ثابت بکند و ماده قران بتواند ثابت کند و مسئله هويت در تمام جاها بطوری آسان است که بتوسط يك یا کت پستی خودشان را معرفی می کنند دو قران خیلی زیاد است بنده نمی دانم که این برای چه نوشته شده است.
رئیس - مذاکرات کافی است شما زانده محمد هاشم میرزا پیشنهادی کرده اند که پنج هزار باشد آقای حاج شیخ - انه پیشنهاد کرده اند که دوقران گرفته شود آقای لواء الدوله پیشنهاد کرده اند که مرتبه اول بجای و در مرتبه ثانی و ثالث و رابع دهمه يك قران بدهد رأی می گیریم با صلاح محمد هاشم میرزا که پنج هزار گرفته شود.
حاجی آقا - بنده در این قفره پیشنهادی کردم از آقای مخیر هم ستوالی دارم بنده بکلی

با پنج قران مخالفم بواسطه اینکه با يك ماده اینجا می نویسیم که با آن ماده گذشته هیچ فرقی ندارد یعنی ما تصدیق هويت میدهم در وکالت نامه ها در طلاق نامه ها و مصالحه نامه ها در هر سندی که نوشته می شود تصدیق هويت هم باید ثبت شود آنجا را ما دو قران کردیم اینجا را بطور می نویسیم پنج قران ما بکلی از مطلب دور افتاده ایم اگر کسی ملاحظه بکند می بیند که تصدیق هويت در ضمن دست در صورتیکه اصل مطلب دو قران است آن وقت تصدیق هويت را بطور ما می توانیم بنویسیم پنج قران باید همان دوقران باشد.
رئیس - رأی می گیریم پنج هزار اصلاح محمد هاشم میرزا آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد).
رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد حاجی شیخ اسدالله دوقران است آقایانیکه موافقت قیام نمایند (با اکثریت تصویب شد)
رئیس - آقای لواء الدوله در پیشنهاد کار هم رأی بگیریم.
لواء الدوله - به توضیح هم بخواهید عرض می کنم.
پیشنهاد مذکور خوانده شد که در مرتبه اولی مجانی در سه تا یک و در مرتبه دوم یک تا یک گرفته شود).
لواء الدوله - این یولیکه با اداره ثبت اسناد میدهند برای این میدهند که اسناد را ثبت کنند حالا ثبت کرده تصدیق می خواهد وقتی تصدیق بنده را خواست بدهد و باز یول بگیرد مثل این است که رعیت مالیات بدهد برای اینکه دولت باو امنیت بدهد اما اگر يك دهی را بخواهند بچاپند آنوقت دولت بگوید يك پولی بمن بدهید از برای اینکه جان و مال شما را حفظ کنم این را داده است برای اینکه اگر يك وقتی تصدیق لازم داشته باشد بگیرد دهمه اول مجانی باشد ضرر ندارد اگر دهمه دوم و سیم تصدیق خواست آنوقت يك قران بنظر بنده عیب ندارد.
رئیس - رأی می گیریم در این اصلاح آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد)
[۱۲] - تبلیغ اظهار کسی بکسی پنجقران
حاجی سید ابراهیم - پنجقران برای تبلیغ اظهار کسی بکسی اینهم زیاد است دو قران کافی است.
وزیر عدلیه - بنده اول عرض کردم که موافق نیستم ولی نمایان اندازه حالا می بینیم اقراط میشود این دو قران و پنجقران چیزی نیست که گرفته میشود این مباشر ثبت باید برود خانه کسی برای اینکه این اظهار را در آنجا با آنطرف تبلیغ کند از این محله بمحله دیگر برود بپیشد این چقدر وقتش باید ضایع شود و بسالنی با بنواسطه از کار خودش بیکار شود همه اینها دوقران و پنجقران نوشته شده بنده تصور نمی کردم که اینقدرها را مجلس زیاد بداند برای اینکه این اقل ما بقیع است اما اینکه گفته میشود اینجا و پیشدیم که میگویند استطاعت ندارند و نمی توانند صدی پنج بدهند باز

بنده عرض می کنم این يك مسئله دیگری است شما بپیشد این زحمتی که این شخص می کشد میارزد بدو قران میارزد پنجقران میارزد بيك تومان پانه و اینرا در نظر بگیرند نه استطاعت و عدم استطاعت را
دکتر حاجی رضاخان - به اینها را که آقای مشیر الدوله فرمودند صحیح است ولی در مراعات ادبای حقوق نباید این ملاحظات را کرد که این ارزش دارد باندازه داین مبلغ یا فلان مبلغ کم است یا زیاد باید فکر کرد و آن فرد ضعیف را چسبید از بیات اظهار کسی بکسی فرخ بفرمائید کسی اطای اجاره داده بیست هزار آنوقت برای اینکه اجاره او نرسیده است نسخ اجاره می کند می خواهد با اظهار کند که قسح کرده است آنوقت باید پنج قران بدهد که برود اطلاع بدهد بپیشد برای پنج قران اجاره می تواند پنج قران بدهد ؟
حاج وکیل الرعایا - گمان می کنم که مخارج اینرا اگر خوب بسنجیم مخارج همین ابلاغ را چنانچه آقای وزیر هم اشاره فرمودند بنده گمان می کردم بعد از آن اظهاری نخواهد شد بجهت اینکه اگر مخارج آنرا بسنجیم می بینیم که پنج قران خودش بیشتر مخارج دارد این يك چیزی است که میشود در يك ملتی يك فرد ضعیفی را ملاحظه کنیم وقتی که يك کار مجانی را تحمل کردیم آنوقت يك اداره دولتی ضعیف میشود باید دانست که این اداره دولت را هم که باید برای این ملت کار بکند طوری فرار بدهیم که دخل و خرجش تساوی داشته باشد بقدری که مخارج ضروری است باو برسد و گمان میکنم که پنج قران کمتر مخارجی است که باین کار تعلق میگیرد و این شاید بعضی جاهای دیگر بر بخورد که ناچار می شود او که در يك موقع دیگری هم شهادت بدهد که این در فلان موضع ثبت هم اظهار شد نایبیکه آن شخص هم بتواند در موقع با کار خودش بزند و اینها همه بآن پنج هزار است بنده گمان میکنم برای هر فرد ضعیفی هم عیب نداشته باشد.
حاج شیخ اسدالله - این فرمایشاتی که فرمودند هیچ ربطی بدولت ندارد اصلش عقیده بنده بود در سابق که این مطلب که تبلیغ اظهار کسی بکسی باشد هیچ ربطی ثبت اسناد ندارد این فرمایش که اینجا میشود که يك تومان خرج دارد که این مباشر برود آنجا در خانه آن شخص ملاقات بکند مذاکرات بکند و تصویب جواب بکند و در دفتر ثبت بکند باین آب و تاب گمان نمی کنم باشد بجهت اینکه يك اظهاری میکند با اداره مباشرت ثبت اسناد او باید تبلیغ کند و برساند این چیز را بطرف بای نجوگان بهر کیفیتی که هیچ خرجی نداشته باشد لازم نیست که در شکله سوار شود دوهزار بدهد برود دوهزار بدهد برگردد که بگوئیم مخارج این کار زیاد است نباید این چیز را برساند و جواب بگیرد بنده عرض می کنم که این چون خارج از وظیفه است و يك امر خارجي است که با آنجا ارجاع شده است پس خیلی مناسب نباید وجهش را گرفت و کمتر از این قرارداد که مردم رقبت گفته بودند باز

اداره ثبت اسناد را اداره ابلاغ قرار بدهند و بنده دو اینجا سه قران بیشتر عقیده ندارم.
رئیس - مذاکرات کویا کافی باشد دو قفره پیشنهاد شده است یکی از طرف آقای انظام - الحکماء (سه قران) یکی از طرف آقای دکتر حاج رضاخان (دوقران) اول رأی میگیریم باصلاح آقای انظام الحکماء که (سه قران) باشد - آقایانیکه با این اصلاح موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد)
رئیس - رأی میگیریم باصلاح آقای دکتر رضاخان.
دکتر رضا خان - چون میدانم کسی با من همراه نیست پس میگیرم.
(۱۴) - تصدیق اقرار یا اظهار کسی بکسی [دو قران].
رئیس - مخالفی نیست و (اظهاری نشد) یازدهم را بخوائید.
(۱۵) - حق الامانه هر سندی از قرار ماهی [دو قران] کسور ماه تمام حساب می شود
بجهت - حق الامانه هر سندی از قرار ماهی دو قران این خیلی زیادی است بجهت اینکه این يك چیزی است که نمیتوان گفت که اداره ثبت اسناد مخارجش خیلی زیاد است نباید آنقدر تحمل بکنند که مردم نباید استاد خود را امانت بگذارند این از قرار مالیات نیست این حق العمن است کافر را نگاه داشتن نباید گفت که ماهی دوقران بدهد بقدری که يك طفلی را بمرسه بگذارند خرج بر میآورد بنده خیلی خوب متوجه میکنم خاطر آقایانرا که اگر ما خواسته باشیم طرف توجه قرار بدهیم اداره ثبت اسناد را باید خیلی آسان و ملایم و ارزان بکنیم بقیه اینکه اشخاص محترمین غالباً جانی دارند که اسناد خودشانرا ضبط کنند و غالباً اشخاصی هستند بی بضاعت يك سندی دارند از بيك کسی و یا يك چیزی است جای نگاهداری آنرا ندارند که ضبط کنند و این غالباً تعدیل میشود بر آن قفرا اگر بنا باشد هر سندی هر قدری که باشد ولو ده تومان ماهی دوقران بدهند این دیگر هیچ ناموسی پیدا نمیکند البته تناسب ندارد بنده خیال میکنم که این اندازه ها خیلی زیاد است بلکه ماهی يك شاهی باید گرفت برای اینکه سندی را درست دوق بگذارند بیشتر از ماهی يك شاهی ممکن نیست که تعدیل کرد
آقا شیخ ابراهیم - این امانتداری اسناد خیلی کار مهمی است ثبت وضبط و حفظ آن خیلی کار بزرگی است و در دول دیگر بنده خبر دارم این خیلی کار مهمی است دیگر آنکه حفظ اسناد و سجلات و امانات را آقا فرمودند که راجع بقفرا است خبر اینطور نیست غالباً اغنیا بجهت اینکه در خانه خودشان میفرسند میرند به ثبت اسناد میسپارند این علنش قفروغنی نیست هلل دیگر دارد نمیدانم چه علت دارد ولیکن آنکسی که آنرا حفظ میکند باید خیلی مواظبت کند و شاید آتشك لازم داشته باشد برای آن فلانها اینها را اگر نظر بفرمائید این وجه زیادی نیست.

حاجی آقا - بنده چون در تمام اینها فقط نقطه نظرم اجرئی است که تعلق میگیرد در بعضی جاها که کار اداره زیاد است و کاملاً با فرمایشات آقای وزیر همراه که باید مراعات کرد آن زحمتی که در اداره است ولی در جاهائی که در اداره چندان زحمتی نیست آنرا هم از همان نقطه نظر که باید ملاحظه اجرت را کرد مخالفم و در بعضی از جاها هم که عرض کردم مخالفم نه از باب این بود که تمام اینها (دوقران) باشد از نقطه نظر این بود که منطقی باشد در خصوص اینکه حق الامانه را دوهزار بگیریم بترتیبی که سایر چیزها را دوهزار گرفتیم بواسطه آنکه حق الامانه همانطوریکه گفته شد چون يك زحمتی ندارد (دوقران) زیاد است و آن قدری که آقای بجهت هم فرمودند نباید باشد و گمان میکنم که اینرا هم که آقای وزیر فرمودند زیاد باشد و این باید بپاید بکسیون و اصلاح شود
وزیر عدلیه - حق الزحمه یکی بود یکی هم اینکه باید دید برای دولت چه تمام می شود این امانت را که میآورند ضبط بکنند باید دور بیندازیم یا در يك جانی روی هم بریزیم یا آنکه این را باید در جانی در يك محوطه در قفسه حفظ کنیم و آن کسی که آمده است آنجا نشسته است باین اطلاق را با اینکه دولت ماه بماه اجاره میدهد یا اینکه ساخته است اینها را باید در نظر گرفت اینها را که مباشر ثبت اسناد روی هم نمایاند از برای ضبط بکفر می آورد و برای آنها بترتیب حروف تهجی اندیکتر و نماینده درست می کند و برای حفظ آنها جای محفوظه کتابی درست میکند اینها تمام را که ملاحظه میفرمائید خواهید دید که خیلی نسبت بحال عموم رعایت شده است این قیمتش دوهزار نیست باید يك تومان باشد.
رئیس - مذاکرات کافی است - سه قفره پیشنهاد شده است پیشنهاد آقای دکتر حاجی رضا خان بجای دوقران ده شاهی آقای نیرالسلطان هم همینطور محمد هاشم میرزا هم همینطور پس رأی میگیریم در این سه قفره اصلاح که دوقران ده شاهی است آقایانی که موافقت قیام نمایند (با اکثریت رد شد)
رئیس - آقای حاجی شیخ اسدالله پیشنهاد کرده اند که پنج قران باشد.
حاجی شیخ اسدالله - بنده پیشهاد کردم که کلیتاً ماه و زمان ملتی شود برای اینکه يك سندی هست یا يك قبالة يك شخص دارد ده تومان یا یازدهم تومان و یا يك خانه را خریده است و آن قبالة را نمی توانست نگاهدارد میرد با اداره ثبت اسناد مرده شاید پنج سال ده سال هم طول می کشد و غالب مردم و قفرا مبتلای باین درد هستند و بنده عرض می کنم که غالباً ماملان نشان از صد الهی دوست تومان است سندنشان را چون خودشان نمی توانست حفظ کنند میرند در اداره ثبت اسناد ضبط میکنند با هست که پنجاه سال در آن امانت اسناد بماند وقتی ماند و محل حاجتشان هم هست که در آن دست در آنجا بماند از آن شخصی که امانت گذاشته است بخواهند

در ماهی دورتر از یکصد روز در میان سال یک پولی علاوه بر آن پولی که داده خریده است باید متدرجاً با اداره ثبت اسناد بدهد بدهد عرض می کنم که یک حق الزحمه که سدرها حفظ می کند با حق الضمانه نباید که بآن اندازه ثبت در دفتر نمی کند که سدر باشد یا نباشد. باید یک تومان باشد صد تومان باشد هر چه باشد آن هم زیاد از پنجاه تومان نمی تواند تصویب کرد آن پنجاه تومان را بدهد و دیگر ابتدا ماه و سال در خصوص این وجوهی که داده می شود منظور نشده فقط همین سند را که امانت می گذارد در موقع گذاشتن امانت همان پنجاه تومان را بدهد یک سده دیگر می رود بگیرد برود بگیرد ده سال می رود بگیرد برود بگیرد صد سال دیگر می خواهد بگیرد برود بگیرد و این ماهی دورترانی که اینجا نوشته شده است بنده بکلی مخالفم.

آقای شیخ ابراهیم - خیلی غریب است کسی بکدام انگار بدارد همان کسی را و حفظ کند تا آن کسی که ده سال حفظ کند هیچ تفاوت نداشته باشد این چه حرفی است ولی بنده اینجا یک نظری دارم باید در کمیسیون اصلاح شود ممکن است یک یا دو چند سند داشته باشد و اینطور قرار دادن صحیح نیست باید بر گردد بکمیسیون در آن نظر بکنیم.

رئیس - این پیشنهاد باید رای گرفته شود آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند (با اکثریت رده)

رئیس - چون بعضی کار های دیگر هم داریم و بعضی سئوالات هست که از آقایان وزراء باید بشود قانون ثبت اسناد می ماند برای جلسه بعد حالا آقایان اگر همراه هستید می گذاریم برای روزه شنبه - آقای انتظام الحکماء از وزارت جنگ سئوالاتی داشتند فرمائید.

انتظام الحکماء - پنج هزار قبضه تفنگ و پنج کرور فشنگ شنیدیم خریدماند خواستم سئوالات کنم که این کی خرید شده و کی وارد شده و از کجا خریده اند و چه ترتیب خرید شده است.

امیر اعظم معاون وزارت جنگ - مسئله خرید اسلحه در خاطر نمایندگان محترم هست که مدتی است مطرح مذاکره است این تفنگها پنج هزار قبضه نیست و هفت هزار قبضه است و گویا در کمیسیون قوانین مالی هم مذاکره در این خصوص شده است اما وزارت جنگ به علت این تفنگها را خریده است اول بواسطه احتیاجاتی بوده است که در این موقع انقلابات عمومی که در تمام سرحدات هست که هیئت وزراء را مجبور کرده است که به این اسلحه بدهد که هر چه زودتر امنیت بدهد بر سرحدات و نظر وزارت جنگ هم بر این بود که یک تفنگی بهتر باشد و هر چه زودتر پیدا کند و خریده شود و این تفنگها را از وزارت جنگ یک تعلیقاتی دادند برای اینکه یک کمیسیونی معین شود که یک ترتیبی بدهد برای جمع آوری اسلحه در تحت نظر جمعی از صاحبان صنایع منعقد شود که یک کمیته تفنگ از جاهای غیر لازم جمع شود و بقشونی داده شود که بولایات و سرحدات میروند و یکی از تفنگها را کار که نمایندگان همیشه از وزارت جنگ سؤال میکنند برای ما موریتیکه باید بولایات فرستاده شود

انتظاماً یک کمیته معین برای عمل اسلحه است چون آن کمیسیون جمع آوری اسلحه نتیجه اعمالش خیلی طول داشت که دولت مجبور بود که این مقدار اسلحه را به ترتیب خرید آن اسلحه کلی خریداری کند به علت یکی اینکه عرض کردم و دیگر اینکه این هفت هزار تفنگ که از تفنگس خرید شده که مفصل و مشروح را بنده درست ملحق نیستم اگر لازم است که تحقیق نموده عرض آقایان میرسانم و الا خود آقای رئیس الوزراء تشریف می آورند و اطلاعات خودشان را ذکر میکنند و این تفنگ قبضه (۱۴) تومان دارد میشود و از تفنگهای امیراطوری است اینجا قبضه دوست تومان صد هشتاد تومان قیمت دارد طرف آذربایجان کراتر طرف شرق قدری ارزان تر است تفنگ هم دانه یکمبای برای این تفنگها خریداری شده است و اینهم یک خدمتی است که وزارت جنگ کرده است که تفنگ روسی دانه یکمبای و تفنگ هم قبضه (۱۴) تومان وارد کرده است و دیگر اینکه پروگرام اکثریت هم بود اینست و چندین نفر دیگر از وزارت جنگ سابق فرستاده بودند و از کمیسیون نظام هیچکدامش جزء دستور نشده بود ولی فوریت اینکارها و جزء دستور نشدن وزارت جنگ لازم دید این تفنگیکه (اکازبونه) و خیلی لازم است بخرد

انتظام الحکماء - فقط سؤال در این بود که این در چه تاریخ خرید شده و تصویب مجلس بود یا خیر اینرا خواستم بفهمم.

معاون وزارت جنگ - تاریخ گفتگوی این تفنگ شروع در کابینه قدیم بوده است و در کمیسیون قوانین مالی هم عرض کردم که در خصوص این مطلب که هفت هزار تفنگ خریده شود مذاکره بوده است بعد از آن که آن کابینه متفصل شد در کابینه جدید بواسطه لزوم همین اسلحه را رئیس الوزراء خواستند وارد نموده.

رئیس - سؤال ثانوی هم داشتند از باب دو دست قبضه تفنگ شجاع السلطنه

انتظام الحکماء - آنها مسکوت عنه میماند تا اینکه ترتیب این معین شود آنوقت آنها را عرض کنم

رئیس - آقای ادیب التجار از وزیر مالیه سؤالی داشتند فرمائید.

ادیب التجار - قانون نمک در اولی که از مجلس گذشت محل حرف نیست که بکفایتی تشریحی و به ملاحظه کی شد در او هیچ حرفی نیست ولی بیشتر چیزی که اسباب نفرت مردم شده و فقر و وضع افقری در این خصوص تمدی شد علتش آن تمدیاتی بود که بعضی ما مورین که از طرف وزارت مالیه بودند میشد و بنده چون در کمیسیون عرایض غالباً عضویت داشتم از هر جا شکایت میرسید حتی از انجمنهای ولایتی من جمله از انجمن قزوین که نوشته اند نمک را بکن چهار هزار فروختند مردم و در کمیسیون ضبط است باین جهت عرض میکنم که بیشتر این نفر مردم از سوء حرکات ما مورین بود که برخلاف شتی نمایندگان مجلس شورای ملی و هیئت وزراء رفتار میکردند و برای عظام حالیه و اینکابینه جدید که بنا بود متفق شوند و این هیئت محترم مؤتلفه مجلس هم مقصود عمده شان این بود که این مسئله نمک را بمجلس بیاورند و یک اصلاحی بکنند

میخواهم ببینم که چه اقدامی وزرای عظام در این باب نموده اند در این مدت اگر چه مدت کم بود ولی جدیت خطرات وزرا را بیش از این میدانم که در این مدت موفق باصلاح شده باشند حالا عرض میکنم یکی در خصوص خود نمک که در اصلاح مالیات آن چه فکری کرده اند و یکی در خصوص ما مورین و ولایات چه تدبیری دو نظر گرفته اند جواب این سئوالات را بنده که اسباب اطمینان خاطر مجلس شورای ملی بشود

وزیر مالیه - بنده قبل از اینکه جواب بدهم باین سؤال خواهش میکنم رعایت سؤال و استیضاح بشود بجهت اینکه سؤال و استیضاح ترتیب در نظام نامه داخلی معین شده است که سؤال چه قسم بشود ترتیب استیضاح کدام است و بنده چون دیدم که از دایره سؤال قدری هم خارج شده و داخل در استیضاح شده اند اینست که عرض کردم بلی همانطوری که در پروگرام کابینه نوشته بودیم که اصلاحی و تجدید نظری در این کار خواهد شد از همان روز داخل مطالعه این کار شده ایم اطلاعاتی که لازم بود از ادارات نامک حاصل کرده ایم و طایفه اطلاعات دیگر لازم بود که تحصیل شود و آن نظریات کمربک بود و از آنجا هم اطلاعاتی خواسته ایم در همین چند روز پیش نهاد مجلس شورای ملی خواهد شد.

رئیس - بعضی مطالب هست که باید عرض آقایان بر سرانم شبه پنجم سابق باید بعد از ختم جلسه منعقد شود یک نفر بموش شاهزاده سلیمان میرزا برای کمیسیون بودجه معین کنید و بکمیسیونها تمام معین شده است بعد از آن جلس آقایان هیئت ترتیب هر کمیسیون را باید معین کنند مغربین هم البته معین خواهند شد روز شنبه صبح سه ساعت بظهور مانده هیئت رئیس منتظر است که مغربین آنها بیایند در هیئت رئیس که آنجا در باب دستور جلسات مجلس مذاکره کرده قرارش گذاشته شود دستور سه شنبه آینده چون دستور پنجشنبه و شنبه را عرض کردم دستور سه شنبه آینده - قانون قبول و نکول پروات - بقیه شور اول در قانون استخدام.

وزیر مالیه - در باب دستور عرض دارم دستور پنجشنبه یکی گویا قرارداد کمیانی خالصجات است در کانترا نی که دولت با کمیانی سابقاً بسته که اغلب نمایندگان مسبقاً داخل مذاکرات آن شده ایم یا کمیانی ولی هنوز مذاکرات تمام نشده خواهش می کنم که این مطلب از جزء دستور پنج شنبه برداریم پنجشنبه آینده معقول بشود تا مذاکرات آن با کمیانی خالصجات تمام شود و البته از نتیجه آن خاطر نمایندگان را مسبقاً خواهم کرد.

رئیس - قرارداد کمیانی خالصجات جزء دستور پنجشنبه بود حالا وزیر مالیه خواهش کردند جزء دستور پنجشنبه دیگر بشود.

آقای میرزا احمد - بنده هیچ ضروری نیستم که یک جلسه عقب بیفتد و تأخیر شود ولی بعضی چیزها در خارج شنیده می شود بعضی تغییراتی میشود بواسطه اینکه رعایا می خواهند عارض شوند نسبت بآنها تمدی میکنند اگر این مطلب صدق باشد خوبست همین طوری که تأخیر می اندازد باین مسئله را هم بآنها اخطار نمایند که در این اوقات تضحیقی به

بآنها نشود تا مطلب معلوم گردد.

وزیر مالیه - بنده نمی دانم چه تضحیقی است که از طرف کمیانی می شود و رعایا عرض می نمایند که بوزارت مالیه داده اند البته رسیدگی می شود و با کمیانی مذاکره خواهند شد از باب آنها باز مذاکره میکنیم و مشغول هستیم.

رئیس - در باب اینکه این قرارداد را در دستور پنجشنبه آتی بگذاریم مخالفی هست ؟

آقای شیخ غلامحسین - بنده مخالفم بعلت اینکه یکسال بیشتر است که این بیچاره رعایای خالصه گرفتار کمیانی هستند مگر اینها از حقوق ایرانیان و انسانیت محروم هستند هر وقت این مسئله جزء دستور شد یک وزیر آمد گفت حالا باشد نظریات بکنیم پس کسی خواهد شد این کار آقای وزیر مالیه ممکن است که از حالا تا روز پنجشنبه نظریات خودشان را بکنند و روز پنجشنبه در این خصوص مذاکره شود.

وزیر مالیه - بنده تعجب می کنم که آقایان بعضی ملاحظات را مفرمانند ولی بعضی ملاحظات دیگر هم هست آنها را هم باید مفرمانند ملاحظه میفرمایند در مدت یکسال است که یک کانترا نی دولت ایران بسته است و امضاء کرده است و در ظرف این یک سال که این کانترا نی بسته نشده بنده هم در آن وقت در مجلس بودم میفرمایند که تفصیل این چه چیز است و در این مدت یکسال این هی آید بمجلس حالا میخواهند بجهت یک فقره بدهیم و امضاء یک دولتی را برداریم بگوتیم اینطور نباشد آن طور باشد البته امضائی که دولت داده است خیلی اهمیت دارد و نباید گفت بجهت اینرا زود تغییر بدهیم باید ملاحظه بکنید که شرایط این کار چه چیز است معایش چه چیز است و باز هم داخل مذاکره بشویم که چه فزای باید داد که باز هم اسباب شکایت رعایا نشود و هم اسباب شکایت کمیانی و بی ترتیبی کار نشود و الا حالا بجهت گفتیم که این طور بشود شاید باز در یک مدتی محتاج بشویم که بگوتیم که این خوب شد خوبست یک سال که صبر کرده ایم یکسال و چهار روز باشد که دوباره محتاج بمذاکرات نباشیم.

رئیس - برای کدام جلسه رای بگیریم که جزء دستور شود.

وزیر مالیه - برای یک هفته دیگر برای این که اگر قبل از مذاکره کردن با کمیانی بمجلس بیاید برای مذاکره منبای مذاکرات مجلس هر چه خواهد بود یک لایحه از طرف دولت پیشنهاد شده است یک یک طرحی هم از طرف نمایندگان پیشنهاد شده است دیگر ما مخفی نداریم.

رئیس - رای بگیریم که جزء دستور پنجشنبه دیگر بگذاریم آقایانیکه موافقت نیام نمایند (اکثریت ۲۸) رای تصویب شد.

رئیس - پس دستوریکه از سابق معین کرده بودیم هم می خورد مجدداً معین میکنیم.

دستور پنجشنبه قانون عقیقات - بقیه قانون ثبت اسناد - دستور شنبه قانون استخدام - قانون

ثبت اسناد راجع بآن مسوادی که در شور ثانوی ارجاع شد بکمیسیون - دستور سه شنبه قانون قبول و نکول پروات - بقیه شور اول در قانون استخدام کمیسیون عرایض راهم خاطر نشان آقایان و امضاء آن کمیسیون می کنم که عرایض خیلی رسیده است و تا امروز هم کمیسیون منعقد نشده خواهش دارم که زودتر منعقد شود و به عرایض مردم رسیدگی کنند و آقایان حاجی آقا در موقع تقسی اجازه خواسته بودند توضیح بدهند فرمائید

حاجی آقا - در ماده دوم تفرقه قانون ثبت اسناد یک جمله عرض کردم که معاملات ایران غالباً از مزاد و بیاض و دهر از تومان زیاد تر نیست تصور کردند که معاملات تجارتی را عرض کردم و بنده این مطلب را در معاملاتی که راجع باملاک و مستغلات بود عرض کردم و گمان می کنم که صحیح باشد بجهت این که سی هزار چهل هزار تومان راجع بمعامله ملکی در ایران خیلی کم واقع می شود و این هم هیچ ربطی بمعامله تجارتی ندارد. (مجلس سه ربع ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۲۴۴

صورت جلسه یوم پنجشنبه ۱۳ شهر ربیع الاخری ۱۳۲۵

مجلس سه ساعت و نیم قبل از غروب بریاست آقای مؤتمن الملك افتتاح و دو ساعت و پنجاه دقیقه قبل از غروب رسماً منعقد شد.

آقای معاضد الملك صورت مجلس بیوم سه شنبه ۱۱ را قرائت نمودند.

(اسامی غائبین جلسه قبل) آقای دهخدا بسون اجازه آقایان حاجی محمد کریمخان - حاج امام جمعه - آقا شیخ مهدی نجم آبادی - با اجازه غایب بودند و آقایان دکتر اسمعیل خان - حاج مصدق المسالک - طباطبائی - سید محمد باقر ادیب لواالدوله بوقت مقرر حاضر نشده بودند.

رئیس - اظهاری که آقای ناصر الاسلام در جلسه قبل در صورت مجلس کرده بودند اشتباهها نوشته شده است نوشته میشود.

لواءالدوله - بنده با کمال تأسف از شغل مباشرت استعفا دارم.

رئیس - حالا موقع این اظهار نبود

لواءالدوله - چون در صورت مجلس اسم از انتخاب بنده برده شده بود باین جهت عرض کردم.

رئیس - بنده عرض کردم اگر اعتراضی بصورت مجلس دارید فرمائید.

ناصر الاسلام - بنده هیچوجه مخالف پیشنهاد کمیسیون و طرح آقای ادیب نبودم کمال موافقت رداشتم متنتی از مخبر راجع یک کلامه توضیح خواستم و الا مخالف نبودم.

افتخار الواعظین - یک مسئله لازم بود اینجا قید شود و نشده است در خصوص مسئله اول از تفرقه ثبت اسناد که قانون یکشاهی نوشته شده بود و آقای وزیر عدلیه هم خودشان تصدیق فرمودند که

این مقدار زیاد است و اینجای قید نشده است و یک مسئله دیگر این است که این صورت مجلسی که امروز در اینجا خوانده شد خیلی مفصل بود گمان میکنم این صورت مفصل یک مقداری از وقت مجلس را تضحیح بکنند خوبست مقرر فرمائید منبع قدری مختصر تر نوشته شود.

رئیس - صورت مجلس نوشتن تکلیف هیئت رئیس است و میدانند چه طور صورت مجلس بنویسند استعدا میکنند منبع اعتراض بشرتیب نوشتن صورت مجلس فرمائید آقای ادیب که بخیر و اعتراض داشتند ؟

ارباب کبخسرو - میخواستم عرض کنم در صورت مجلس اظهار موافقت وزیر عدلیه نسبت بتفرقه شده است و حال آنکه در همین فقره اول بطوریکه اشاره فرمودند آقای وزیر عدلیه بکلی مخالف بودند با تومانی یکشده می و قید نشده است.

رئیس - دستور امروز تفرقه ثبت اسناد و قانون عقیقات بود ولی دپروز از طرف هیئت وزراء قانون عقیقات را خواستند که نظریاتی دارند تجدید نظری بنمایند آنوقت عودت بدهند این بود که بنده هم بیست و چهار ساعت قبل اطلاع دارم با آقایان و حالا بجای قانون عقیقات قانون استخدام خواهد بود تفرقه قانون ثبت اسناد را در فقره مقدم بخوانید [باین عبارت فراتر شد]

مقدم - ترتیب صورت مجلس که بجای قبض امانت داده میشود پنجقران.

ارباب کبخسرو - از این عبارت درست چیزی مفهوم نمیشود خوبست درست آقای مخبر توضیح بدهند

مخبر کمیسیون آقای شیخ ابراهیم زنجانی موادی که برای گرفته اینجاقوتی که کسی امانت میسپارد باینیض میگیرد با تقاضا میکند صورت مجلس بنویسند و آن صورت مجلس بجای قبض امانت است و صورت مجلس بنویسند یعنی صورت اسناد را بنویسند و اشخاصی که حاضر هستند مهر می کنند و با می دهند این کار مفصلی است از برای این پنج قران هم کم است.

هشترودی - بنده پنجقران را برای یک صورت مجلس نوشتن زیاد میدانم هر چه باشد دوقران کافی است و بنده پیشنهاد می کنم که دوقران باشد.

رئیس - این پیشنهاد را بنویسید بدهید بآن رای بگیریم.

ارباب کبخسرو - بنده مخالف زیاد بی پنج قران نبود ولی این عبارت این را نمی رساند و از این عبارت آطوریکه بیان کردند هیچ مفهوم نمیشود عبارت را با توضیح نمایم صورت مجلس که بجای قبض امانت است گمان ندارم از این عبارت بیرون بیاید.

آقای شیخ ابراهیم - این حکایت است از آن ماده که برای او دادند که هر کاه صاحب امانت بخواند صورت مجلس قرار داده است ادبیکه امانت میگذازد صورت آنها را برداشته و ثبت کنند و مهر کنند و باوبهند و اشخاصی - محاضر نه آن صورت مجلس را مهر و امضاء کنند و باوبهند اینجکه تقاضا میکنند

آ صورت مجلس را بنیچتران باید برای این صورت مجلس بدهد این بنیچته همان درآمده است اگر ما باین زودی فراموش کنیم دیگران چه خواهند کرد و این پنج قران هم خیلی کم است اگر مثلا دمسند آورد تمام آنها را باید صورت بردارند و صورت مجلس نوشته شود این کار بزرگ است بنیچتران هیچ زیاد نیست بلکه کم است .

حاج شیخ اسدالله - این بیانیکه آقای

مخبر می فرمایند این یعنی همان قبض است که مباشر ثبت باید بصاحب امانت بدهد در قبض که می نویسند باید بنویسد همچو امانتی این صاحب قبض دارد و اینک این را تمبر بصورت مجلس می کشند نام برای چیست اگر این صورت مجلس است پس آن قبضی که بصاحب امانت می دهند بفرمانند آن چیست باید وقتی که صاحب امانت امانتش را می دهد ثبت استاد صورت می نویسند همه اسنادش را صورت بر می دارند و آن قبض را بهر اداره مهر می کنند و خود مباشر همه مهر میکنند دیگر اینکه نوشته شده است صورت مجلس نمی دانم مقصود چیست

وزیر عدلیه

بنده در جواب جلب می کنم خاطر آقایان را ماده ۱۱۳ و ۱۱۴ اگر توجه بفرمایند رقم شکل آقایان می شود ماده (۱۱۳) می نویسد که مباشر ثبت قبض و سندی نوشته خودشان و اشخاصی که شاهد قضیه بوده اند امضاء می نمایند و رسید را در دفتر فهرست ثبت می کنند بمذاکر آن ماده (۱۱۳) است که می گویند هر گاه از باب رجوع قبض رسید گرفته اند بنویسند که در حضور شهود صورت مجلس نوشته شده تمام سند متنا و هماغها در آن صورت ثبت شود و اگر اسناد ذراف یا کت سر بهر است شکل ظاهری پاکت و مهر تصریح شود مباشر ثبت مکلف است که آن تقاضای از باب رجوع را ایفاء نموده صورت مذکور را ترتیب داده بعد از امضاء خودش و صاحب امانت و شهود صورت مذکور را مشارالیه در دفتر ثبت اسناد یا تر تیبیات مقرر ثبت نموده بصاحب امانت بدهد و البته تصدیق خواهند کرد که یک چنین صورتی که تمام اسناد ثبت شود متنا و هماغها باشد با مضای شهود و مباشرین برسد و تمام این فیه شود کمتر از آن گویا نتوان تصویب کرد

رئیس

مذاکرات کافی است دو نفره می باشد شده است یکی از آقای کاشف است که پیشنهاد کرده اند قبض رسید در مقابل اسنادیکه امانت سپرده می شود بنیچتران

کاشف

این ترتیبی که در این جانوشه شده است در دفتر مقدمه ابتدا فرموده نمیشود که مقصود از این چیست از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده ام که در مقابل هر سندیکه امانت سپارند یک سندی خواهند بصاحب امانت داد اعم از این که آن سند مشروح باشد یا غیر مشروح و آقای وزیر هم فرمودند صورت مجلس و شرحی که از آن دادند در واقع قبض رسید مشروح می شود اما اینکه بنویسند صورت مشروح از آن هیچ مفهوم نمیشود لکن قبض رسید که نوشته شده معلوم نبود بهر جهت حالا پیشنهاد را بخوانند (باین عبارت فرمائید)

اصلاح فرقه ۱۷ - قبض رسید در مقابل اسنادی که امانت سپرده می شود - هرآن - کاشف
رئیس - باین پیشنهاد رای می گیریم آقایانیکه باین پیشنهاد موافقت قیام نمایند [رشد] این پیشنهاد را آقای هشتزودی کرده اند (بعبارت ذیل خوانده شد) بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۱۷ تمبر نه مبلغ دو قران هوش پنج قران نوشته شود .

رئیس

رای می گیریم کسانیکه موافقت با این پیشنهاد قیام نمایند (رد شد) فرقه شانزدهم فراموش شده بود حالا خوانده می شود (باین عبارت خوانده شد)

شانزدهم - قبض امانت بنیچتران

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد) تنبیه را بخوانید (بعبارت ذیل فرمائید) تنبیه اول - از کسور تومان در فرقه اول و دوم تعرفه حق دریافت نمی شود

رئیس

مخالفی هست (گفتند خیر) دوم را بخوانید دویم کسور سفته در فرقه هفتم و هشتم سفته تمام محسوب می شود

رئیس

مخالفی هست (گفتند خیر) سیم را بخوانید (باین عبارت خوانده شد) سیم - مخارج حرکت در فرقه ۱۳ به سه رجوع کننده است .

رئیس

مخالفی نیست . **دکتر حاج رضاخان** - بنده در فرقه سیزدهم که تبلیغ اظهار کنی بکسی بنیچتران باشد مخالف بدم چند دلیل اظهار شد من جمله مخارج حرکت بود حالا از اینجا میبینم که بطور مطلق نوشته میشود که مخارج حرکت بهمه رجوع کننده است در صورتیکه معلوم نیست که این باچه چیز حرکت میکنند پدرشگر حرکت میکند یا نرن حرکت میکنند اما حرکت میکند هر کدام که مخارجی دارد هیچ نمیشود بطور مبهم مخارج حرکت را بهمه رجوع کننده قرار داد این بنیچتران کرد آنجا نوشته شده باینکه مخارج حرکت مباشر باید معلوم شود .

رئیس

مخالفی نیست . **آقای شیخ ابراهیم زنجانی** - آن بنیچتران برای این است که بکسی خواهش میکند که این اظهار مرا بفلان شخص برسانید و برای من جواب بگیرید و این شخص معظم بخرت مرا از اداره خودش بفرستند پیش کسی دیگر برای یک کاری در چنین مومنی بنیچتران خیلی هم کم است و این بنیچتران فقط برای قبول کردن او است اینکار را اما مخارج حرکت آن یک چیز علیحده است ممکن است از اداره ثبت تا آنجا که این شخص باید این اظهار را ببرد و بآن شخص اظهار کند پنج فرسخ باشد آنوقت مخارج متفاوت میشود این میگوید اقا مخارج حرکت من اینقدر است میخواهید میدهد میروم نمیخواهید میروم آنها هم میخواهند میدهد میخواهند میدهد .

کاشف

بنده ابتدا میتوانم بفهمم که یک مطلبی را که در کمال ابهام است او را قانوناً بنویسیم که مخارج حرکت بهمه رجوع کننده است توضیحی هم که آقای مخبر دادند رقم اشکال نکرد بجهت اینکه اگر مقصود آقای مخبر مخارج مسافرت خارج از شهر است خوب است بفرمائید اگر مقصود داخل شهر است که

همان پنجهازری کدر ماده ۱۳ تصویب شد با همین ملاحظه گمان میکنم تصویب شد مخارج حرکت شهری در مقابل همان بنیچتران تصویب شد نمیتوانیم هم آن بنیچتران را تصویب کنیم هم یک مخارجی را بطور ابهام تا امتراز قسم سوء استعمال در آتیه شاید شود .

آقای شیخ ابراهیم

این بنیچتران نه برای مخارج است بجهت اینکه ممکن است هیچ خرج نداشته باشد مثلاً کسی بیاید پیش مباشر ثبت میگوید میخواهم شافلان اظهار مرا باین همه ساهی خودتان بکنید جواب بگیرید این هیچ خرج ندارد لکن باید آن بنیچتران برای همین اظهار بدهد با مخارج حرکت خیلی مختلف میشود تبدیل این است بجهت اینکه اجاری کدر بین نیست کسی بصحرا ثبت میگوید فلا مطلب مرا بفلان شخص کدر فلان محله است برسان مباشر ثبت میگوید پیاده میروم مخارج در شکره مرا بده تا بروم میدهی میروم نمیدهی میروم این تبدیل نیست بکسور میگوید این اظهار مرا بفلان شخص کدر پنج فرسخی است برسانید میگوید مخارج این پنج فرسخ مسافرت من فلان مبلغ است میدهی میروم این تبدیل نیست این یکمالاتی نیست یک چیزی است باختیار خود بنده با اختیار تقاضا کننده اگر قبول میکند و از باریش فراموش دارد مخارج او را معین میکنند میرود اگر فائد ندارد بنده اینهم نمیروم .

دکتر رضاخان

استعلام میکنم آقای وزیر توضیح بدهند بجهت اینکه توضیحات آقای مخبر قانع نکرد بجهت اینکه این شخص مباشر ثبت بالانرا از و کبل که نیست مخارج مسافرت و کلارا که معین کرده اند فرسخی بنیچتران معین کرده اند حالا اینهم باید جدا کتر را ببینند چقدر مخارج میشود حد اقلش چقدر آنوقت یک عدد وسط را معین کنند مثلاً بگوید فرسخی بنیچتران اگر خارج شهر است اگر داخل شهر است کورس در شگر را معین کنند اولا اینکه نمیشود بکلی باختیار مباشر گذاشت برای اینکه سلب اختیار از مردم نشود و رفع حوائج مردم شود باید معین کرد بجهت اینکه لابد آنکه یک چنین اظهاری بصحرا ثبت میکنند لابد از برای یک کار مهمی است که یک چنین اظهاری میکند والا از برای یک کار غیر مهم یک چنین اظهاری نمیکرد حالا نباید در این صورت بکلی این را مهیو و باختیار مباشر ثبت گذارد .

وزیر عدلیه

در باب تبلیغ اظهار کسی بکسی که اظهار میشود آنروز مذاکره شده و مخارج حرکت راهم در ضمن حق الزحمه او کدر ماده سیزدهم معین شده است منظور شده است و ما هم گفته باشیم که مخارج حرکت جزء ماده سیزدهم است من خاطر ندارم که خراج گرفته باشیم در ماده سیزدهم کدر ضمن آن بنیچتران باشد و حق الزحمه او حساب شده باشد ملاحظه بفرمائید آن کسی را که وزارت عدلیه اسامش را مباشر ثبت بگذارد این خودش یک مقامی دارد و یک مقتضیاتی دارد این شغل را وقتی دارا میشود که مقتضیاتش را بعمل بیاورد اما همان بنده حالا یک چنین شغلی که میگویند از اداره خودش خیزو برو آنجا این اظهار را بکن معلوم است این شخص را از کارش باز میدارد تصور نمیشود که حق الزحمه این کمتر از بنیچتران باشد خودش را که یک نفری را بخواهد بفرستد یا اموری بتی بکتر از این نمیشود تا چه برسد باینکه

مأمور دولت باشد و مستخدم دولت باشد و اگر شخص نخواهد که دیگری را برای یکچنین ابلاغی بجائی بفرستد خیلی بیشتر از باریش تمام میشود منتی ما اینجا یک اداره درست میکنیم که رفع حاجت مردم شود والا بنیچتران چیزی نیست که حقیقتاً در عوض اینکار باشد اما در باب مخارج حرکت اینجا همینقدر خواسته است بفرمانده که این در عهده رجوع کننده است و این را هم در جزو قسانون ننوشته است در ضمن تنبیه نوشته است و توضیح کرده است که این مخارج حرکت جزء آن بنیچتران نیست باید مخارج حرکت علیحده داده شود مثلاً اگر از طهران باید بیرون بشیران ابلاغی بکنند مخارج حرکتش جزء آن بنیچتران نباشد و اینک بعضی میفرمایند اگر واضح نباشد سوء استعمال میشود به خیلی چیزها هست در این قانون که توضیح نشده است لکن اینها یک نظامنامه علیحده میخواهد اینها جزو نظامنامه اداره است چنانچه در سیدیه در مسئله وجه الضمان رجوع کردیم موافقت وزارت مایه و وزارت عدلیه اینهم یکی از مطالبی است که باید در نظامنامه وزارت عدلیه معین کرد که سوء استعمال نشود و این راهم عرض بکنم وزارت عدلیه هم نمیتواند این قبیل چیزها را بطور قطعی معین بکند باید واگذار بنظر محکه ابتدائی بکنند که از برای هر فرسخی چقدر مخارج حرکت لازم است و باید بدهد و اینهم معلوم است جایش اینجا بوده فقط اینجا خواسته است که واضح بکنند که مخارج مسافرت جزء حق الزحمه تبلیغ نیست .

رئیس

مذاکرات را آقایان کافی نمیدانند (گفتند مذاکرات کافی است) **حاج شیخ علی** - بنده پیشنهاد کرده ام و توضیحی لازم است عرض کنم چون این قانون بجهت امروز نیست بسا میشود این اداره وسعت هم پیدا میکند ممکن است بعضی مطالب را بخواهند بتوسط مباشر ثبت بولایت دیگر اظهار بکنند همانطور که مخارج حرکت را بهمه خودش واگذار میکنند همینطور مخارجی هم اگر برای تلگراف لازم باشد باید بهمه رجوع کننده باشد .

رئیس

بیشنهاد را بخوانید (باین عبارت خوانده شد) بنده در تنبیه این اصلاح را پیشنهاد میکنم **۳- مخارج مخابرات تلگرافی** و حرکت در فرقه ۱۳ بهمه رجوع کننده است حاج شیخی

رئیس

آقای مخبر در این پیشنهاد چه بفرمائید قبول دارید . **آقای شیخ ابراهیم** - مخارج مخابرات تلگرافی یعنی چه آن چه ربطی بصحرا ثبت ندارد **رئیس** - رای میگیریم در این پیشنهاد کسانیکه باین پیشنهاد موافقت قیام نمایند - رشد - بقانون استخدام شروع میشود بخوانید .

آقای ماضدالملک

شروع کردند بقرائت قانون استفاده و ماده اول را قرائت کرد . **بجهت** - بنده مخالفم با اصل این قانون و چون بدو هم باید شور در کلیات قانون بشود باینجهت باید مقدمه آنها خوانده شود .

رئیس

چون موافق معمول میخواهیم اول تمام مواد خوانده شود بعد داخل در شوا کلیات شوم لکن خوانده نخواهد شد اول داخل شور در کلیات میشود میگویند اگر مخالفید بفرمائید

بجهت - در موتمنیکه ما وارد میشویم بقانون استخدام که چه این بدیهی است و شکی در این نیست که قانون استخدام باید وضع شود و این چیزی نیست که ما در آن بحث بکنیم ولی این چیزیکه اینجا نوشته است جادار خوبی در آن مذاکره شود در اینجا شرح مفصلی میشود که وزارت معارف و اوقاف و معاش را دادند در خصوص مستخدمین آن وزارتخانه بدم با ملاحظه اینکه میخواستیم وزارتخانه ها این اصلاح بشود و بدوچه مان زدتر تقیه بشود آمدیم این را تعمیم دادیم تمام وزارتخانه ها لکن بدینخواه در ذیل این یکچیزی نوشته میشود که موجب یأس و ناامیدی سایر افراد ملت بلکه نمایندگان آنها خواهد شد برای اینکه ما امروز یک سابقه داریم بدست میدهیم که سابقه بسیار بیاری است و آن این است که می بینیم نظر اولیای امور مان با ادارات مرکزی است در صورتیکه شاید ادارات مرکزی ما اینقدر اهمیت که اصلاحات سایر نقاط دارد نداشته باشد برعکس بالکل اصلاحات باین نقطه متوجه است مثلاً ممکن است یک وقتی در مسئله نان و گوشت مرکز چندین جلسه مجلس کنیم و مذاکره کنیم در صورتیکه برای وقایع خیلی ساده که در زیر طهران روی میدهد هیچ متاثر نمیشویم یعنی میخواهید بگویند حرفه با اطلاع نداریم و اینهم بدیهی است و یک اثر طبیعی دارد که هر چیز دیگری بیشتر جالب نظر میشوند بنده عرض میکنم بالاتر از این نیست که میگویند میخواهیم موضع این قانون بودجه مان را اصلاح بکنیم همینکه بودجه اینجا اصلاح شد آیا بودجه همه ادارات اصلاح میشود اینکه نیست میگویند چون ما نمیتوانیم بکنیم آن قانون جامع کلی بنویسیم که ادارات خودمان را در همه جا در تحت آن قانون در بیاریم و اصلاح بکنیم این است کار برای اینکه شروع باصلاح ادارات مرکزی مان کرده باشیم و اعضاء و اجزاء اداراتمان را از اشخاص عالم و لایق تری انتخاب بکنیم فقط یک شرایطی بنویسیم که بآن شرایط نمیتوانیم یک ادارات صحیح و یک بودجه ترتیبی داشته باشیم بنده همین جا را گرفته عرض می کنم آیا بجز این است که این قانون وضع شد در طهران بودجه مان درست می شود ؟ بودجه که درست نمیشود برای اینکه اداراتمان که منحصر بطهران نیست و از این گذشته باید احساس یک مانعی در این قانون بکنیم که نشود در ولایات اجرا کرد و الامانی که در خودمان نمی بینیم و از- اینکه صورت داشته باشد کدر ولایات اجرا بشود بنده عرض می کنم که اجرای این قانون در طهران باید بیشتر اشکال داشته باشد چرا بجهت اینکه در طهران در ادارات افزایده هزار نفر مستخدم هستند و اینها لزوری یک ترتیب صحیح استخدام نشده اند بدیهی است بهوجب این قانون به پنج شش هزار نفر ش دست می خورد لکن مأمورین ولایات خیلی کم تراست و بهر آن سهل است در حق آنها اجرا کرد بجهت اینکه مأمورین ولایات ازمركز میروند ممکن است که آن مأمورین را بآن شرایط نفرستند ثانیاً وقتیکه ملاحظه بکنیم تمام مأمورین عربستان و فارس و سیستان مثلاً روی هم رفته یا نصف نفر می شوند بدینجهت بهر یک از ولایات چه عدم یافتند و آنها که نالاین هستند اینها چقدر هستند در صورتیکه روزی ده هزار نفر باشند

که این اصلاحات را از- دارد افلا یا نصف نفر مستخدم دارد و اغلب هم لزوری یک ترتیب صحیح استخدام نشده اند و اگر بخواهیم آنها را اصلاح کنیم می بینیم نمی شود صدای بلند میشود بجهت اینکه اشخاصی که دارای حقوق نبوده اند حالا حقوق دارند و همین که با آنها دست بزنند در مساجد جمع میشوند صدای بلند می شود پس بنا بر این اگر ما خوب فکر بکنیم می بینیم که باید اول شروع با ادارات ولایات بکنیم بجهت اینکه اصلاح اول از موضعیف شروع می شود امروز یک رئیس نظمه یا یک امین مالی برای خارج می خواهیم بفرستیم باید بدینجهت چمانی پیدا میشود که نمی توانیم اجرا بکنیم ثانیاً این قانون راهم که ملاحظه می کنم می بینیم همین است که اصلاح ادارات و تعدیل بودجه است و این فلسفه راهم می بینیم که در ولایات موجود است پس باید این قانون هم در ولایات باشد و اگر اینکه اختصاص بر مرکز داده اند به ملاحظه صورت اجرای آنست در ولایات آنرا هم بنده بدلیل ثابت کردم که بصورت اجرای این در مرکز بیشتر است علاوه اگر بخواهیم مرکز برکت بدهیم بدولت خودمان یعنی یک دولت داشته باشیم باید ترتیب مرکزیت عمل کنیم و می بایدست یک قانون جامع داشته باشیم و این مهم باید بدانند آقایان که قانون بکنند در تمام مملکت اجرا نمی شود بلکه تدریجاً بمقام اجرا می آید ما میخواهیم که یک قانون را تعریف بکنیم بیک جا که در یک حالت آن قانون باشد و در جای دیگر نباشد این طبیعی است که بالکل به اصواب مردم مرکزیت می شود و این مضارست و این مقدمه باید برداشته شود .

فهیهم الملك

این نظر رانی که آقای بهجت فرمودند که این تعمیم بولایات داشته باشد چه در مرکز چه در سایر ولایات تمام این مطالب در که بصورت ملاحظه شد در آن مقدمه که ملاحظه فرموده اند همه اینها را داشت راپورت اولی هم که کمیسیون ترتیب داده بود وزارتخانه فرستادند بصورت دارد ولی بعد از آنکه نظریات ثانوی از وزارتخانه ها برگشت دیدیم امروز نمی شود این قانون را در ولایات اجرا کرد و نظراتش هم اینست در اینکه این ادارات ما از روی یک ترتیب صحیحی مرتب نشده و بیک ترتیب غیر صحیحی تشکیل شده است هیچ حرفی نیست و هر قدر هم که ادارات تشکیل شد است نیز یک سنگینی بودجه حاصل دیگر ندارد و رفو هم ببارت بود از گذاشتن یک سبز که روی آن ماهوت سبزی کشیده است و در ولایات هم چیز دیگری غیر از این وجود نداشته است جای شبهه نیست و می بینم یک اداره که ملاحظه اشخاص را نکرده باشد و ملاحظه کار را بکنند در این جابجک چنین اداره نداریم و می بینیم باین ترتیب سال بسال ما بهما اضافه می شود و بودجه سنگین می شود در سایر ممالک معمولاً ترتیب ادارات در یک هیئتی داده میشود که غیر از وزارتخانه ها است و آن دوشورای دوتی است که شورای دولتی چون خودش داخل هیچ اداره نیست و چون داخل اداره نیست و طرفدار هیچ اداره نیست با کمال بی طرفی می نشیند یک نظامنامه که هیچ ملاحظه اشخاص را نکرده باشد در کمال خوبی می نویسد آنوقت آن اجرا میشود

حالا ما که یک چنین معنی نداریم که یک چنین نظامنامه بنویسیم و می بینیم روز بروز این ادارات زیاد می شود و بودجه ما سنگین می شود معلوم است هر کاری را با اندازه پاره پاره اصلاح کرد مرکز این مملکت امروز طهران است مرکز ولایات و ولایات هم ادارات طهران است آیا میشود ادارات این جا را ترتیب و بی اساس و غیر تنظیم بگذاریم و بپردازیم ولایات و میفرمایند قانون کلی وضع کنیم قانون یک چیزی است که باید با هم موافقت داد و اصلاح کرد هنوز ما قانون صحیحی نداریم و قانون چیزی است که باید سال ها در دولت جاری باشد و از روی آن عمل بکنند قانون چیزی نیست که شش ماه بعد تغییر بکند همیشه امورات جزئی اداری را موقوف به نظامنامه و دستخط و قیامه فراداده اند برای این است که آن بدست وزراء است و آن راه می رسد و وزراء میتوانند تغییر بدهند و آن محتاج شوروری دادن در مجلس نباشد قانون را بدست مجلس میدهند که طوری نباشد که ماه بعد تغییر بکند باید یک اساس مرتب کرد و درجات و مقامات را معین کرد و آنوقت مستخدمین را تطبیق کرد با آن درجات و ما هنوز درجات مستخدمین و مأمورین ما را نمی دانیم چیست و ممکن است یک مأمور مالی که امروز معین می کنند تا چهار ماه بعد تغییر بکنند اگر ما یک اداره خزانه در ولایات پیدا کردیم مأمورین مالی نمی توانند مداخله در احوال وصول وجوه دولتی بکنند کارشان این خواهد بود که مالیات را تشخیص بدهند و بدهند اداره خزانه در صورتیکه امروز مأمورین وصول مالیات مأمور تشخیص مالیات مأمور پرداخت مالیات مأمور همه چیز همان مأمور مالی است همچنین مأمورین سایر ادارات که امروزه در ولایات هستند حالشان همین طور است ممکن است وجودشان بعد از این هیچ لازم نباشد و ممکن است که کارشان را بجای دیگران بگذارند یعنی کار آنها هنوز هیچ اساس ندارد لکن الان یک مأموریتی میفرستند اسم از اینکه کار داشته باشند یا نداشته باشند و یک حقوق هم بآنها می دهند حالا این ها را نمیتوان هیچ اساسی قرار داد و از آن گذشته وقتی می گردیم مرکز می بینیم در مرکز یک اساس صحیحی نیست و اصلاح را باید شروع کرد از آنجائی که این مأمورین بروند باید از آنجا بیکه اینها را مأمور می کنند و می فرستند تحت یک قاعده مرتب باشند و لو هر قدر مختصر باشد بنده عرض می کنم این قانون طوری است که تمام کارهای ما را اصلاح می کند لکن همیشه در دست که قدری جلو نماند کار ما را و ادارات ما را که در شرف اصلاح و تأسیس است تا بعد ترتیب کاملتری بیفتد اینجا اگر منظم شده به ترتیب مأموریتی که بولایات می خواهند برونده هیچ کارمشکی نیست و محتاج بقانون هم نیست ممکن است در وزراء یا در شورای دولتی که در امور ادارات مذاکره می کنند بنویسند که این مالیات خراسان رتبه مدیری یا مدیر کلی خواهد داشت این هیچ اهمیت ندارد اینکار را هم می کنند پس اگر ما این کار را بکنیم نه اینست که فقط اساس مرکز را درست کرده ایم بلکه تا خود اصلاحات

ولایات را هم ریخته ایم اینک اینجا نخواستیم اسم ببریم و قید بکنیم بجهت این بود که درست و وزارتخانه مسوقند بترتیب ادارات ولایات نه ترتیب آجا ما را بخوبی وزارتخانه هایمانند تا اینکه ما بتوانیم یک قانون کلی الان بگذاریم تمام به اقتضای وقت و روز یک کاری کرده اند اینست که این را نمیتوانیم بگفتیم کالی فرار بدیم برای تمام ولایات با نتیجه عیناً آنچه را الان فرمود نظر داریم و آنچه را که میتوانیم نسبت به این مواد تطبیق بدیم آن ادارات که در مرکز هستند و نسبت بامورینی که خارج از مرکز هستند ولایات توسط وزراء و دستخط والا حضرت نایب السلطنه برایشان ترتیبی قرار میدهم

حاج شیخ اسدالله - این فرمایشات مخیر جواب آن اشکال را که آقای بهجت کرده بود اولاً ما حرفی نداریم در اینکه تمام اداراتمان بی ترتیب است و باید یک قانونی برای استخدام نوشت ولی قانونیکه از مجلس میگردد باید موافقت داشته باشد منتهی چیزی که می فرمایند می فرمایند باید از مرکز شروع شود در ترتیب اجرای این و بعد ولایات سرایت بکنند و ادارات هم مرتب باشد چه در مرکز چه در سایر ولایات در اینجا می نویسد مقصود از این قانونی که ما میخواهیم وضع کنیم برای ترتیب و تهیه بودجه است همین را ملاحظه کنند آیا اگر مستخدمینی که در ولایات هستند اگر بی ترتیب باشد قانون استخدام آنها بودجه مملکتی ما مرتب میشود و این بود بودی است نمیشود اگر مرتب میشود بالین بی ترتیبی که همین حال باشد پس چرا در مرکز تغییرات میخواهید بدهید و قانون استخدام را منحصر بر مرکز کنید مرکز هم همین حال باشد اگر مرتب نمی شود و باید قانون استخدام نوشت آنوقت باید شرایط استخدام را نسبت ولایات و ایالات عمومیت داد و این که میفرمایند ما از ادارات ولایاتمان بی اطلاع هستیم اینطور نیست بر فرض هم که اینطور باشد این منافات ندارد با اینکه ما قانون بنویسیم و نسبت بشمار ولایات و ایالات عمومیت ندهیم اگر بنا شود از برای طهران و استخدام مرکز بنویسیم همان شورای دولتی بنویسد و نایب السلطنه امضاء کند و اجرا بداریم در تمام مملکت لازم نیست که مجلس بنویسد و اجراء شود در تمام مملکت فرق ندارد ادارات ایالات و ولایات مان آنهاست ادارات مرکز است قانون هم که از مجلس میگردد باید عمومی داشته باشد نه این که قانون مجلس میآورند و بعد میگردد قانونی برای فلان شهر میخواهیم بنویسیم یا اینکه این شرایط فلان شهر مخصوص است از برای خراسان ما این قانون را بنویسیم از برای فارس بنویسیم چه فرق میکند تمام ایالات و ولایات و مرکز یکی است هیچ فرق ندارد خواستیم که مستخدمین را در تحت این قانون بیاوریم و اداری این شروط باشد بلی باید از مرکز شروع شود تا برسد بولایات همچنان که اقتضای ادارات باید دارای این شرایط باشند همین قسم شب آنها هم که در ولایات هست باید دارای همان شرایط باشد اما این که میفرمایند ما امروز این قانون را برای مرکز بنویسیم و بعد برای ادارات ولایات و مستخدمین آنها باید شورای دولتی قانون بنویسد و بعد باید از مرکز شروع به اجرا شود این را منکر نیستیم که مامشوق بملیات که شدیم از مرکز شروع شود این را قبول داریم بترتیب شروع بکنیم بودجه همین ترتیب سرایت بدهیم ولایت اما این قانون را کلی بنویسد که بتواند

سرایت بدهد سایر ولایات تا اینکه مترجماً دو تمام مملکت سرایت بکنند برای اینکه قانون باید کلیت داشته باشد و فرمایشات مخیر را بنده رد میکنم و بکلی قبول ندارم

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست (بعضی گفتند خیر)

فهییم الملك - آقای حاج شیخ اسدالله ملتفت عرایض بنده نشده اند عرض نکردم این قانون محدود به این جا خواهد شد بولایات سرایت نخواهد کرد و مترجماً اجرای او در باره مأمورین بسته است با اینکه بنصوب وزراء باشورای دولتی برسد و ملاحظه مقتضیات آنجا بشود و هر قدر پیش می آید با بنصوب هیئت وزراء و شورای دولتی مترجماً نوشته شود عرض کردم این یک مرتبه نباید در تمام مملکت اجرا بشود باید مترجماً ادارات خودشان را اصلاح کنند ولی مأمورین سایر ادارات ولایتی را بنصوب هیئت وزراء بگذارند یکی یکی از مأمورین را احاطه شان را سنجیده و ملتفت شوند و آنها را بولایات بفرستند حالا اگر بخوایم ملاحظاتی که در این کار بوده و در کمیسیون مذاکره شده است اینجا عرض کنم چندین جلسه وقت مجلس را باید مشغول بکنیم

وحید الملك - یکی از مهم ترین قوانین قانون استخدام است برای اینکه دو اهمیت دارد یکی اینکه بواسطه آن چرخهای دولت بکار افتاده میشود و یکی اینکه بودجه مملکتی تسویه میشود این دو اهمیت بزرگ را داراست ولی همین دلیل که دو اهمیت فوق العاده دارد باید در نوشتن و گذراندن آنها اهمیت فوق العاده داد یعنی مواد آن باید عملی و هر دو قسمی باید مربوط بهم باشند که بخوبی می شود آن قانون را بوضع اجرا گذاشت و بنده بعد از آنکه این قانون را نگاه کردم بعضی نواقص در آن دیده ام که برای تذکار لازم میدانم عرض کنم ایراد هم نیست تا اینکه آقای مخیر لازم بدانند جواب بدهند اول آنکه شرایط قانونی استخدام از قبیل سن و معلومات و خصائص مستخدمین لای الورود اینجامعین نشده است و کافی نیست و باید معین و قانونی بشود - دوم مواد این قانون درست جریان ترفیع رتبه و مقام مستخدمین را معلوم نمی کند و آنرا طبیعی نمی نماید سیم خصوصیات مستخدمین را در دوایر مختلفه دولتی که باید قانوناً معین بشود این قانون معین نکرده است باین معنی که خصوصیات را که مستخدمین وزارت جنگ لازم است داشته باشند و همچنین خصوصیات و مزایای آنها را که باید مستخدمین وزارت امور خارجه داشته باشند و در قانون باید معین بشود در این جا معین نشده است چهارم تقسیمات و شمول استخدام دولتی را از قبیل ادارات و شعبات کشوری و لشگری و سیاسی را که باید قانون معین بکند و قانونی بشود و جایز هم در قانون استخدام است در این قانون معین نکرده است که از چه قرار است پنجم یک رابطه مخصوصی را که قانون باید بدارد دولتی که در مرکز مستخدمین بدهد این

قانون نمیدهد باین معنی که مرا کرمینت برای گرفتن مستخدمین معین نشده است و در این صورت هر اداره از برای خودش مستقیماً میتواند مستخدم بگیرد و باین ترتیب آن رابطه قانونی که باید قیامین مستخدمین مهیا باشد از روی این قانون مهیا نمیشود ششم - میزان مواجعت هائی که در اینجا معین شده است معلوم نیست که از روی اصول قانونی معین شده است - هفتم چون گفتیم که اهمیت قانون استخدام از دو جهت است یکی بکار انداختن چرخهای ادارات دولت و یکی تصفیه بودجه آنها از روی این قانون که مرکز ایالات و ولایات تجزیه شده است آن مقصود به عمل نیاید که بکنار یک نوع عدم کفایت هم بیان خواهد آمد که آنرا آقای بهجت و سایرین فرمودند - هشتم تجزیه ادارات مرکزی وزارت امور خارجه با ادارات نمایندگان آن وزارتخانه در ممالک خارجه ممکن نیست و آنچه یک عدم کفایت فوق العاده بیان خواهد آورد در بیان ترتیبی که اینجا نوشته شده است هم باعث عدم تصفیه بودجه و برهمی بودجه وزارتخانه ها خواهد شد و هم امور وزارتخانه آلتور که باید مرتب نمیشود - اصول تمام این عرایض که کردم قانوناً باید معین شود و از مجلس شورای ملی بگذرد بعد تمام جزئیات آنها را نظامنامه های داخلی ادارات که باید نوشته شود تکمیل میکنند و در این جا معلوم نیست که چه قسمی از آن را باید قانون معین بکنند و چه قسمی از آن را نظامنامه ها پس بطوریکه عرض کردم این قانون نه جنبه قانونی معلوم است و نه جنبه نظامنامه و عملی و بنده باین نواقصی که در این قانون می بینم هیچوقت صلاح نمیدانم و تصویب نمی کنم که یک همچو قانون ناس از مجلس بگذرد و بهتر این است که این قانون برگردد بکمیسیون و برای تکمیل این نواقص سه عرض کردم دوباره تجدید نظر بشود و یک قانون کاملی بجمعی پیشنهاد شود که بدون مذاکره و گفتگوی زیاد انشاء الله از مجلس بگذرد

فهییم الملك - خیلی تعجب میکنم از فرمایشات آقای وحید الملك که هیچ وجه ربطی بقانون ندارد تا امروز هیچ دیده نشده است که یک قانونی بنویسند که برای ادارات مالی در دفتر معامبات باید مستخدم آن فلان تحصیل را کرده باشد یا اینکه مستخدم دفتر دار قونسولگری فلان جا فلان اندازه قانون ثبت اسناد خوانده باشد یا مستخدم اداره قوایم نامه چه خوانده باشد هیچوقت قانون این چیزها را نمیتوانید اینها را جرح است بامور داخلی وزارتخانه ها و ادارات آن و هر وزارتخانه برای ترتیب امور داخلی خودش لابد است از این که یک نظامنامه بنویسد که مستخدمینش چه شرایطی را دارا خواهند بود منشی خواهد داشت ثبات خواهد داشت چه خواهد داشت و همچنین از برای هر یک از مستخدمین در جاتی خواهند قرارداد که مستخدم فلان درجه چه معلوماتی را باید دارا باشد اینها چیزهاست که راجع است به نظامنامه حتی میخواهم عرض کنم که این اندازه را هم که ما داریم جزء قانون میکنیم در اغلب جاها قانونی نمی کنند نهایت ما چون آن ترتیب را

نداریم ناچاریم از اینکه جلو گیری بکنیم و چون اغلب از چیزهایی را که فرمودند داخل در شور و مواد بود این است که بنده حالا پیش از این نمیتوانم شرح بدهم و تفصیله داخل در شور مواد شدیم آنوقت جواب آنها را شاید مشروحاً عرض بکنم که حضرت تعالی هم قانع بشود و همینقدر عرض میکنم که با این ترتیبی که ما داریم کامل تر از این ممکن نیست قانونی امروزه بنویسیم برای اینکه ما تأسیسات آنها را نداریم نه مدارس داریم که بنویسیم شاگردان فلان مدرسه باید باشند نه چیزهای دیگر مایک اساسی را باید درست بکنیم و یک شرایطی قرار بدیم از برای دخول در خدمت تا این که آنها هم مجبور بشوند یک نظامنامه از برای ادارات خودشان ترتیب بدهند آنوقت اینها را که فرمودند اصلاح بکنیم والا اگر بخواهیم که تا این اندازه که ممکن است هم شرایطی فراهم بدهیم همان توفعانی است که تا بحال کرده ایم که دفتر ادارات ما زیاد است اصلاح کنید مأمورین ما زیاد است اصلاح کنید آنها هم رفته اند این کارها را کرده اند و بالاخره دیده ایم که همه کارها کرده اند غیر از وزارت در صورتی که وزیر و نماینده کثرت مجلس که ما بنده اکثریت ملت است خواهد بود و هیچ کاری بترتیب جزئیات مستخدمین و ادارات نباید داشته باشد حالا باید مشغول اجرائیات قوانین موضوعه باشد حالا همین کار را که ما همیشه از روی بی رویه تقاسا کرده ایم میخواهیم از روی ترتیب صحیحی بخواهیم و اساساً یک چیزهایی را معین بکنیم که سرشن بشود و از روی آن کم عمل نمایند و در پرتاب این فرمودند این قانون تجزیه کردن ادارات ولایات را از ادارات مرکزی بیان می آورد آنچه کار مشکلی نیست بجهت اینکه ما تصویب کرده ایم که تطبیق این قانون با ترتیب ادارات سایر ولایات باید که با تصویب یک هیئتی بشود حالا آن هیئت را هیئت وزراء قرار می دهیم شورای دولتی قرار می دهیم هر چه قرار می دهیم آن یک چیز عیبه است که با بستی بجمعی بیاید بملکت اینکه ما در این جا نوشته ایم که اگر مستخدمین فلان تصویب کردند مجازات نباید بشود هیچ چیزی نخواهد بود ما برای این فلان این قانون را بولایات تعمیم ندادیم که چون ترتیب شب ادارات ما معلوم نیست شاید فلان وزارتخانه فلان مأمور را در فلان نقطه لازم نداشت که باشد و ما اگر این را تصدیق کنیم مثل اینست که تصدیق کردیم که آن مأمور با بستی در آنجا بماند پس ما باید اول معین کنیم که مأموری برای فلان نقطه لازم هست یا اینکه لازم نیست وقتی که از معین معین شد آنوقت ممکن است همان ترتیبی که عرض کردم این قانون را دوباره آنها هم مجری نمودند سایر چیزهایی که فرمودند چون داخل در شور مواد است و باید در آن موقع مذاکره بشود و عیناً جواب عرض نمی کنم

هشترودی - از مقدمه این قانون یعنی مقدمه که کمیسیون نوشته است هم چه معلوم می شود که وزارت فوائد عامه یک قانونی برای ادارات وزارت

خانه خودش که همه آقایان خوانده اند پیشنهاد مجلس کرده اند و مجلس هم بکمیسیون قوانین مالی رجوع کرده است بعد از آن نظر اعضاء کمیسیون دستی پیدا کرده است که این قانون را تمام وزارت خانه ها تعمیم بدهند این است که بشمار وزارتخانه ها فرستاده اند بترتیبی که در اینجا نوشته شده است و لکن این موادی که در این قانون نوشته شده است بنده همچو می بینم که خودشان مقررند که این کافی نیست که قانون صحیحی برای تمام وزارتخانه ها باشد برای اینکه نوشته اند در اینجا که پس از چند جلسه مذاکره و شور لازم در اوج مزبور و توضیحات اخیر وزارت خانه عقیده کمیسیون بر این شد که اولاً این قانون عیناً مخصوص ادارات مرکزی وزارت خانه ها باشد و تطبیق آن نسبت بمأمورین ایالات و ولایات باید بتدریج پس از شور در هیئت وزراء و تصویب شورای دولتی و امضای همایونی بعمل بیاید تا باینجا چون ادارات وزارتخانه ها امروزه در کار تشکیل و تکمیل میباشد نمی توان قانون ثابت دائمی که شامل تمام نکات و دقیق لازم است تنظیم ادارات باشد وضع بشود - این دلیل است بر اینکه خودشان مقررند بر اینکه این قانون مصبوط با عیبه است من اینک بنده هم چه چیزی را در این قانون می دانم و شخص رفیق که حواست ناامنی را بنویسد باید تمام چیزهایی که در قانون لازم است حالا تعمیم اجرا کنیم اجرا نشود کلیات قانون در اجرائیات دو تا است و در کلیات قوانین باید در تمام کشور چون نمی توان این قانون را در تمام اجراء کرد پس باید در هر جا که لازم است باید ناقص باشد برای اینکه در آنجا بشود ناقص تمام نمیشود اجرا کرد بنده با عقیده کمیسیون مخالف ولی با پیشنهاد درارت فوائد عامه موافقم و عقیده ام اینست که خوب بود همان چیزی را که وزارت معارف نوشته بود را بورت بدهند شاید مایک قانون صحیحی برای یک وزارتخانه می نوشتیم که تمام وزارتخانه ها باشد و بنده اجرای آن را برای این وزارتخانه خیلی سریع و ممکن میدانم مردم هم در همه جا قانون آن وزارتخانه بخواهند قبول میکنند و مخالف با اینکه کمیسیون نوشته است که تمام وزارتخانه ها تعمیم داده شود

حاج وکیل الرعایا - بنده تصور میکنم که در اینجا کمیسیون و دولت ترتیباً مقصودشان یک شناختن موقع و مقتضیات وقت و یک استفاده عاقلی بوده است و آن قانون مطلوبی را که آقایان در نظر دارند نمی توان انتظار داشت و موقع هم از این است که منتظر آن قانون مطول شد و باز دلیل دیگری دارم بر اینکه هیچ نمیشود ولایات را آورد و در این قانون اشتراك داد و آن اینست که این جا دولت سه چیز را در نظر گرفته است و کمیسیون هم با او شرکت کرده است یکی اخراج بعضی اشخاص نالایق اگر در وزارتخانه باشد دوم شناختن مقدار مقرری که باید بآن اشخاص لایق بدهد که کار بودجه قدری آسان بشود و اینجام توضیحی دارم که لازم است عرض کنم و آن این است که حقوقاً

که دولت در هر گز که تفریب یا مخارج یا خارج یار پس نزدیک شده است میخواهد بدهد هیچ نسبتی ندارد با حقوقی که در ممانعت باید بداند برای اینکه در ممانعت ممکن است یک ثبات گرفت با همیشش نومان اما در طهران هیچ نمی توان این نسبت را تصور کرد و گمان میکنم که دولت خوب نظری داشته است که این را برای مرکز فاضل شده است و تشخیص آنرا بعهده خودش گذارده است برای اینکه مخارج مأمور سبستان خیلی زیاد تر است از مخارجی که برای مأمور رشت هست این تفاوت هست تا وقتی که مملکت ما راه آهن ندارد و نمی توان یک تناسبی در آن مخارج معین کرد مثلا نقاط کرمانشاهان خیلی کم است ممانعت بیشتر است و چون چنانچه کمتر است اینها یک چیزی است که معین است و وقتی در مملکت شما می توانید یک قانون کلی را اجرا بکنید که نقاطش بهم متصل باشد مثل (سوی) تا اینکه آن استفاده را که در نظر دارید بتوانید از آن حاصل کنید و بالاخره عرض میکنم اگر مقصود مجلس موافقت باشد یا عراض بنده دولت اینجا سه استفاده خواهد کرد انتظار آن قانون کلی که آقایان اظهار کردند یک اندازه صحیح است ولی این انتظار امروز دولت را از این استفاده محروم میدارد و آن سه استفاده یکی را که عرض کردم دومی اینست که میگوید این قانون است و بیش از این دیگر از او توقع میکنند و سبب این است که این یک قانونی است که عجله در دست دولت باشد امروز بجهت دلیل با آنها میبندید هیچ چیزی که بدست آنها نداده اید و از روی هیچ هم که میشود ایراد کرد انقلاب قانونی را بکنند آنوقت با آنها ایراد بکنید این است که بنده گمان می کنم که این قانون برای امروز خیلی مفید است و گمان میکنم که مجلس هم موافقت بکند در اینکه این قانون بگذرد.

بجهت - این سابقه بقدری سابقه بدی است که من هر قدر بتوانم باید دفاع بکنم آقای مخبر اشتباه میکنند هیچ کس توقع ندارد که در اصلاح امور مالی که شروع میشود اول مالبه عربستان را اصلاح بکنند بیایند بطهران بدین معنی است که اصلاح و اجرای هر قانونی باید از مرکز شروع بشود ولی باین ترتیبی که در ممانعت این قانون نوشته شده است این یک سابقه خیلی بدی خواهد شد که منبهد در کلیات تمام قوانین ما نوشته خواهد شد و ولایات بکلی محروم خواهند ماند بشکل مستعمرات و این یک مطلبی است که بنده و کلا ادارات مرکز آنرا قبول نخواهم کرد بدین معنی است که قانون را وقتی که ما شروع باجرا کردیم نالز این جا جلو راهش را صاف نکرده مجری نمی شود باید تمام این نقاطی را که در جلوه است از مرکز گرفته صاف بکنیم تا بآن نقطه آخر برسیم و هیچ اشتباه هم نکنیم ما نمی خواهیم قانون را بطور انقلاب یک دفعه جاری کنیم بلکه ما معتقدیم باین که هر قانونی بتدریج باید در مملکت اجرا بشود و چنانچه خود آقای مخبر هم توضیح می فرمایند می گویند که ما الان از وضع ولایات خوب مسبوق نیستیم نمی توانیم

چیزی بنویسیم باید تعصیل اطلاعات بکنیم بعد از برای آنها یک قانونی وضع بکنیم بنده عرض می کنم ما نمی خواهیم امین مالبه عربستان امین مالبه تبریز بشود بلکه می گوئیم اگر کسی محکوم بقتل و سزای بشود یا محکوم بحدود باشد چه ولایات خدمت نباید بشود چه مرکز باشد چه ولایات هیچ فرقی ندارد من می خواهم بدانم که این قانونی را که ما می خواهیم بدانیم که این قانون را چه ما می خواهیم وضع بکنیم مربوط بکی است بطور می شود که عربستان را شما از یک قانونی محروم بکنید یا این که همه جمعیتشان را ندانسته باشید چه طور شما می توانید مشورت یک اداره را بعهده بگیریید ولی اعضاء آن اداره را نشناسید این را ما بعهده شما نخواهیم گذاشت قانونی که مجلس شورای ملی وضع می شود چه در خصوص انجمن ایالتی باشد چه در خصوص انجمن بلدی باشد در هر خصوص که باشد راجع بتمام ادارات ولایات این مملکت خواهد بود و ما و کلا ولایات هیچ نمی توانیم این جا بنشینیم و ببینیم که یک قانونی در مجلس شورای ملی وضع بشود که از شکل مرکزیت خارج بشود و منحصر بطهران باشد و ولایات از آن محروم باشند بنده که یک نفر از و کلا ولایات هستم ابتدا یک همچو قانونی را تصویب نخواهیم کرد و از آنجائی که من باید حفظ حقوق تمام موکلین خود را بکنم عرض می کنم که اگر یک همچو چیزی باشد سابقه خواهد شد برای سایر چیزها برای این که در قانون استخدام که قانون دولتی است وقتی کفتم مطلع نیستم در امور مالیات بطریق اولی خواهم گفت که مسبوق نیستیم یا در قانون انتخابات پس فردا شاید بمجلس بیاید از برای طهران باید یک شکل مخصوصی قانون وضع بکنیم و بالاخره اگر ما این سابقه را در این کلیات تصدیق بکنیم با چاره ای که در هر قانونی که بعد از این می آید همین سابقه را منظور بداریم باز تکرار عرض می کنم که مشتبه نشود ممکن است ده سال بگذرد تا این قانون بهرستان برسد بنده هیچ مایل نیستم که این قانون امروز در عربستان اجرا بشود ولی خیلی بد می دانم این را که این قانون در این جا وضع بشود و در آن نوشته شود که اختصاص بر مرکز دارد بجهت این که فراتی نیستی که در مجلس شورای ملی وضع می شود برای این است که شامل حال تمام افراد مملکت بشود ما نمی توانیم یک قانونی را وضع بکنیم و اختصاص بدیم بیک نقطه یا این که اگر اخلاق آذربایجان را با اخلاق عربستانی ها مخالف دانستیم قانون را تغییر بدیم و مطابق اخلاق هر یک قانونی علیحده وضع بکنیم این را که نمی توانیم پس باید مجموع اخلاق اهالی تمام مملکت را در نظر بگیریم و یک قانونی وضع بکنیم که شامل تمام آنها باشد و در آخر عرض خود عرض می کنم که ما می خواهیم قانونی وضع بکنیم که شامل تمام افراد مملکت باشد و ممکن است مدتهای مدیدی طول بکشد تا این که اسباب و مقدمات آنها را فراهم بکنند و بوقع اجرا

باید الا این که آنقدری که مخالفت داریم برای این است که ممانعت از تعمیم را نباید مربوط کنیم باین که ما از وضع ولایات اطلاع نداریم خصوصا در یک قانونی که راجع بستمین دولتی است و راجع بتمام مملکت است.

فهییم الملک - اینطوریکه بنده ملتفت شده ام این است که آقایان خیلی کم مطالعه می کنند و حرارت فوق العاده بروز می دهند - این چه ربطی دارد با اهالی ولایات که می فرمایند عدم مرکزیت می آورد دولت یک مأموری می خواهد بفرستد بهرستان ما می گوئیم چون از این درجائی که در اینجا نوشته شده است معلوم نیست که چه مرتبه را می خواهند باز بدهند از این جهت نمی توانیم قانونی برای آن ها بنویسیم می فرمائید که چون در این جا نوشته شده است که این اختصاص به مرکز دارد حقوق سایر ولایات تصبیح شده است و این عدم مرکزیت است پس از این قرار از فرمایش آقای وحید الملک هم معلوم می شود که ایشان هم مرکزیت را قائل نیستند برای اینکه فرمودند هر وزارت خانه باید قانون علیحده داشته باشد یا مثلا اگر ما یک روز در این جا قانون وزارت سفارت را مطرح مذاکره قرار بدیم باید بگویند که این عدم مرکزیت است برای اینکه این وزارت خانه یک قانون مخصوص دارد عدم مرکزیت اینها نیست هم چنین در این قانون چون دیدیم که تطبیق و اجرای این قانون نسبت سایر ولایات ممکن نیست گفتیم که عجلالتا فقط در مرکز اجرا بشود این چه ربطی به مرکزیت و عدم مرکزیت دارد این جا برای مستخدمین ادارات دو چیز نوشته شده است یکی درجات خدمت آنها و یکی هم مقدار حقوق آنها و درجائی هم برای ترفیع رتبه و مجازات آن ها معین شده است و هر کدام یک شرح مفصلی تشریح لازم دارد که برای هر کدام یک نظامنامه باید نوشته شود و تمام اینها را که می فرمایند شاید کاملا در کمیسیون مذاکره شده است از عربستان و غیر عربستان هیچ ممکن بوده است که بغیر از این چیز دیگری نوشته شود حضرت عالی اشتباه فرمودید که تصور فرمودید که وضع حالیه ولایات را اطلاع نداریم بنده در همین حالیه عرض دارم عرض می کنم که این حال حالیه را نمی توان ماخذ قرار داد و یک قانونی برای آن نوشت بلکه باید فهمید کار آنها چیست و از روی کار آن ها قانونی نوشت والا حال حالیه و کار حالیه آن ها را بنده خیلی خوب می دانم و شاید بهتر از سرکار اطلاع داشته باشم بلکه کاتبه مقصود آن اشخاصی که این قانون را نوشته اند و پیشنهاد کرده اند این بوده است که یک ترتیب معین و منظمی برای دادن ترفیع رتبه و اضافه مواجب ها داده باشند بنده در وزارت خانه ها اطلاع دارم که به شخصی در یک سال شش مرتبه اضافه مواجب باو داده شده است آخر اضافه مواجب در ادارات دولتی حدودی دارد آخر فلان شخص که ماهی یا زده تومان می گرفته است و در یک سال بتدریج شده است سی تومان باید بدید که

بچه جهت باو داده شده است اگر استعفاء داشته که از اول چرا باو داده اند و اگر استعفاء ولایت نداشته است که چرا اضافه کرده اند لابد این اندازه ترفیع رتبه در یک سال زیاد است و باید یک ترتیبی درباره آنها داده شود مقصود بنده این چیزها است یک شخصی فرضاً یا سال ثابت بوده است امسال شده است مدیر این باید معلوم شود که این شخص از روی چه لیاقتی دارای این رتبه شده است اینها یک چیزی است که ربطی به مرکزیت و عدم مرکزیت ندارد و تا اینکه در این جا مذاکره بفرمایند.

رئیس - کویا مذاکرات کفائی باشد [گفتند کافی است] رأی می گیریم در این که داخل شورمواد شویم.

هشترودی - اجازه بفرمائید توضیحی دارم.

رئیس - توضیح درجه میخواهید بفرمائید.

هشترودی - در همین ماده است یعنی در نطق بنده سه قسمتی شده است می خواهم توضیح بدهم - بنده اشکالی که کردم در این تائید بود که عرض کردم خودشان اقرار کرده اند که این قانون کامل نیست و چنین خیال کردند که من نسبت عدم مرکزیت بملک داده ام این تائید خودش می گوید که این قانون نیست.

رئیس - عرض می کنم که این توضیح نیست چون بقدر بیست نفر بنیاز حضرتعالی اجازه خواسته اند و مذاکرات را هم مجلس کافی می دانند حالا حضرتعالی اگر در فرمایشی که فرمودید سوء تفاهم شده است می توانید توضیح بدهید.

هشترودی - همین توضیح است پس توضیح چه چیز است.

رئیس - شما فرمایش خودتان را توضیح بدهید ماده را.

هشترودی - بنده عرض می کنم که از عراضی که بنده کردم چه فهمیدند که گفتم هر وزارت خانه باید یک قانون داشته باشد من این طور نگفتم عرض کردم که این قانونی بود که وزیر فواید عامه برای وزارت خانه خودش پیشنهاد کرد شما خوب بود همان را راپورت می دانید والا این چیزی را که راپورت داده اند بنده قانون نمی دانم و من وظیفه ام این است که در قانون صحبت بکنم و ابداً داخل در مذاکره این نخواهم شد.

فهییم الملک - این را هم عرض بکنم که اگر این قانون تمام را ملاحظه بفرمائید تصدیق خواهند فرمود که قانون هست بجهت اینکه نوشته است پس از چند جلسه مذاکره و شور و لایزال در لوائح مزبور و توضیحات اخیر وزارت خانه عقیده کمیسیون بر این شده که اول این قانون عجلالتا مخصوص ادارات مرکزی وزارت خانه باشد و تطبیق آن نسبت بتمام ولایات و ولایات بتدریج پس از شور و در هیئت وزراء و تصویب شورای دولتی و امضاء مایورنی بعمل می آید - یعنی عجلالتا قانونیکه شامل تمام نکات نسبت بتمام نقاط مملکت باشد انیشود نوشت چنانچه بنده نوشته شده است - تائیداً چون ادارات وزارت خانه هم امروزه

در کار تشکیل و تکمیل می باشد نمی توان قانون ثابت دائمی که شامل تمام نکات و دقائق لازمه انتظام ادارات باشد وضع شود لکن برای اینکه این تاسیسات و تشکیلات و اصلاحات از روی ترتیب صحیحی بعمل می آید و نیز محض اینکه میزان ثابت معینی برزی مقرر می شود خدمت در دست باشد تا بتوان زودتر به تهیه بودجه موفق گردید اصول شرایط استخدام را در ضمن چند ماده ذیل پیشنهاد می نمایم یعنی این مواد امروز کافی میدانم که بنویسیم و برای سایر ولایات چون ترتیب آنها درست نیست عجلالتا نمی توانیم قانونی بنویسیم.

رئیس - رأی میگیریم در اینکه داخل شور مواد بشویم آقایانی که در در کلیات را کافی میدانند و تصویب می کنند که داخل شور در مواد بشویم قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند) - با اکثریت (۴۱) رأی تصویب شد - ده دقیقه تنفس میشود و بعد از آن شروع می کنیم بشور و مذاکره در مواد بعد از تنفس مجدداً یک ساعت قبل از غروب جلسه افتتاح رسه ربع قبل از غروب رسه تشکیل شد (آقای رئیس انورزا و وزیر امور خارجه در این وقت آمدند).

رئیس - ماده اولی قرائت میشود.

(شروع بشور اول قانون استخدام و ماده اولی بمبارت ذیل قرائت شد.)

(قانون استخدام.)

ماده اول - کسانیکه داخل خدمت یکی از وزارتخانه ها میشوند باید شرایط مقرر در نظامنامه داخلی آن وزارتخانه را دارا بوده و علاوه چهار شرط ذیل نسبت بایشان رعایت گردد.

(۱) سن سی لافیل برای درجات از یک تا پنج مذکور در ماده (۸) و سن (۲۵) لافیل برای درجات شش و هفت و سن بیست لافیل برای سایر مراتب (۲) عدم مروتیت بقصد اخلاق (۳) عدم محکومیت بقتل و سزای (۴) معلومیت تابعیت.

آقای خلی شیرازی - این مراتبی که در ماده اول نوشته شده است مثلا در معاکم عدلیه اکثر شامل معاکم نیز و غیره میشود در کمیسیون عدلیه با حضور وزیر ترتیبات دیگر داده شده که باید از اینها استثناء بشود چون بعضی ترتیبات دیگری در سبستان داده شده در این قانون موقتی و اگر چنانچه شامل نمیشود مبارتش باید قدری واضح تر بشود چون وزارتخانه بعید نیست که شامل معاکم مرکز شود مطالب دیگر اینکه فساد اخلاق محل است و شرح لازم دارد بنده یک پیشنهادی کرده ام که اینطور نوشته شود در شرط دوم که معروف بقصد عقیده و لایالی در دین خود نباشد و الا فساد اخلاق محل میشود و دیگر اینکه مثلا نایب رئیس دائره و منشی اول دائره را نوشته است سن بیست سال باشد و این سن بیست سال را ابداً نمی پسندم.

فهییم الملک - قسمت اول فرمایشات شما که فرمودید آنها گفتم وزارتخانه آنها را شامل نمی شود زیرا که آنها مستثنی هستند بوجوب همان قانونی که فرمودید نوشته شده است در کمیسیون عدلیه

و تکالیف هیئت فوه قضائیه بکلی مجراست از خدمت وزارت خانه.

آقای شیخ ابراهیم - اولاً گویا مقصود مأمورین کشوری که ملکی میگویند پس نظامی و لشکری و نظمی و قضات را شامل نیست که خیلی بعید است این مطلب در آن طرف ماده ذیل که خواهد آمد نمی نویسنند در چهار سال ترفیع رتبه میشود در آنجا فاصله میان مقامات را پنج سال به پنج سال قرار داده اند از بیست سال تا بیست و پنج سال و از بیست و پنج ساله الی سی ساله پس هر گاه چهار سال خدمت کرد بیست ساله شد بیست و چهار ساله آنوقت ترفیع رتبه حاصل نخواهد کرد و حال آنکه چهار سال خدمت کرده است این را باید تطبیق بدهند که ممکن باشد ترفیع رتبه حاصل نشود و مضافاً فاصله مابین هم پنج سال پنج سال باشد این موافقت ندارد یکی هم عدم محکومیت بقتل و سزای این کافی نیست در جنایات و تصرفات مثلا هر گاه کافه ساز است و جنایتهای دیگر می کند کافی نخواهد بود پس باید نوشته شود عدم ارتکاب جنایات یا بجنحه مثل قتل و سزای و سایر جنایات.

فهییم الملک - راجع بآن ترفیع رتبه که فرمودید در هر یک از این سن ها چند درجه است مثلا برای سن سی و چهار درجه است درجه یازده و ده و نه و هشت پس در هر یک از این درجه ها ممکن است ترفیع درجه حاصل بکنند و هم چنین شش هفت دارای دو درجه است که هر کدام چهار سال در دو درجه هشت سال میشود.

مشیر حضور - بنده تصور میکنم که عرض شرط چهارم که نوشته شده است [معاویت تابعیت] اگر نوشته شود تابعیت ایران بهتر و واضح تر خواهد بود بجهت اینکه مستخدمینی که از خارجه برای استخدام ادارات جلب میشوند آنها باید با اکثریت و تصویب مجلس باشند بنده در این خصوص یک پیشنهادی هم کرده ام.

فهییم الملک - مقصود کمیسیون از این لفظ معلومیت تابعیت پش نکه بوده است و آن این بوده است که کسی که داخل خدمت دولت میشود دولت بداند او تابع کجاست و معلوم الحال باشد نه اینکه داخل در خدمت دولتی نشوند و یک مدتی هم باشند بعنوان اینکه تبعه ایران هستند بعد که یک تصبیری می کنند یا غیبتی وارد میآورند تبعه خارجه بشوند حالا کلیتاً برای استخدام اتباع خارجه قراری می خواهند بدهند که آنها را قبول می کنند یا نمی کنند اگر قبول می کنند باید بچه شرایط باشد آن چیز دیگری است و یک ترتیب دیگری دارد تا اکثریت مجلس چه برای بدهد ولی مقصود از اینها اینجاست نوشته شده است این است که معلوم باشد که تبعه کجاست اگر تبعه خارجه است که مطابق آن قراریکه برای کلیه تبعه خارجه داده میشود او را بپذیرید و اگر تبعه ایران است که مطابق این قانون با او رفتار کنید.

دکتر علیخان - بنده اینجا در فقره اول و دوم این ماده مخالفت دارم اولاً اینکه در خصوص سن برای وزارت خانه بنظر خیلی فرق می کند زیرا

فهییم الملك - اما قسمت اول که فرمودید عزل و نصب مستخدمین تا یکدرجه راجع بفرمان همایونی خواهد بود و بعد درجات پائین تر بموجب حکم وزیر است این مربوط ترفیع رتبه نیست امروز یک وزیر میخواد بیک معاونی رتبه مدیری بدهد مثلا چهارسال چهارسال یا بسته است بنظر وزارتخانه که عرض میکنم یا بسته است بداشتن آن رتبه یا اگر درجانی است که حکم باید بنویسد حکم بنویسد فرمان یا حکم آن راجع بارتقاء رتبه نیست بلکه شرایط قانونی باید از برای داشتن آن رتبه عمل بیاید وزارت جنگ یک کسی را میخواد ترفیع رتبه بدهد باید برای او فرمانی صادر کنند پس فرمان مربوطه بشرايط آن رتبه نیست و اما اینکه میفرمایند (وزیر میتواند) اینجا محظوراتی را باید پیش خواهد آمد برای وزراء اینجا وزراتی که این قوانین را بموقع اجرا میکذارند البته باید طریقه اعتماد و حسن ظن مجلس باشد و محال است بیخیال اینکه یک کسی چهارسال متوالی در یک وزارتخانه خوب خدمت بکند و طرف توجه وزیر هم بشود و وزیر نخواهد ترفیع رتبه باو بدهد اما ممکن است یک کسی خیلی هم کار بکند ولی لایق آنکه یک رتبه خوب بالاتری باو بدهند نیست یک کسی مدیر خوبی است اما نمیتواند مدیر اداره محاسبات یک وزارتخانه باشد اگر مقام مدیری محاسبات آن اداره خالی شد و یک شخصی هم هست که متوقع این هست که مدیر اداره باشد بعضی اینکه آن مقام خالی شده است نباید گفت که تو برو مدیر باش باید دید که قابلیت آن رتبه را دارد یا ندارد و این نظر را کی باید داشته باشد البته وزیر آن اداره و مدیری که در مد نظرشان هست آنها باید نظر کنند ببینند که این شخص لایق این رتبه هست یا نه دست وزیر را نباید بکلی بست که داخل در مذاکره و بحث اشخاصی بشوند ولی همین است که وقتیکه وزیر اشخاصی را که در زبردست خودش نگاهداشت و با ترتیبی که سابق معمول بوده است آنها را خارج نکرد باید متعجب بود که این ترتیبات عمل خواهد شد و وزیر این حدود خارج نمیشود و اما در این قسمت آخری که فرمودید ما چهار سال بچهار سال معین کردیم باید ترفیع رتبه بشرايط باو داده شود یعنی هر کسی خدمت کرد ترفیع رتبه باو میدهند در ادارات در آن طبقه از مستخدمین که این قانون شامل آنها میشود یعنی مستخدمین کشوری اینها باهم نتوانند ترفیع رتبه شان باشند مختلف است رئیس دایره میشود مدیر اداره میشود یعنی ممکن نیست کسیکه کارمندی گری میکند بدهد بگوید که مدیر هستی یا رئیس هستی .

این میشود پس هر وقت که اینها میخواد ترفیع رتبه با آنها داده شود باید وقتی آنها داده شود که لیاقت آن کار را داشته باشد اما یک شخصی که خدمتی کرده است کار ندارد بیک کار وقتی باو میدهند بگویند در انتظار باشد تا وقتی که بیکه مقام خالی شود و در صورتی که در آن مقام رسماً شخصی متصدی است باو نخواهند داد ولی ممکن است آن شخصی که متصدی بیکه بریت بریاست کلی در اداره هست فوت کند و جارا خالی بگذارند باید وزیر از درجات پائین تر بکنند را بیاورد

و بجای او بگذارند و در صورتیکه در درجات پائین تر کسیکه خدمت کرده باشد و رسیده باشد بان مقام نیست در اینجا نمیشود گفت که وزیر این مقام را خالی بگذارد در این صورت میگوید دیگر در صورت احتیاج وزارتخانه یعنی خالی شدن محل که در این صورت بسته بطریقی خدمات و استمداد اشخاص و نظر زیر است و غیر از آنهم در مقام ترفیع رتبه گفتیم که باید دارای شرایط مقرر در نظامنامه اساسی آن وزارتخانه باشد پس این شخص در آن موقع که باید ترفیع رتبه پیدا کند دارای شرایط اساسی آن وزارتخانه باشد و یک کسی را هم که لایق باشد روی اینکار بگذارند که خالی نماند و یک کسی اداره بکنند که طرز خدمات و لیاقت او را هم منظور بدارند نباید ملاحظه چهار سال گذشتن را بکنند و در میانه آنها هم که کمتر از چهار سال خدمت کرده اند و لیاقت اشخاص را دارند یک کسی را انتخاب کنند و آن مقام بگذارند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است سه مرتبه اصلاح پیشنهاد شده است خوانده میشود .

(اصلاح آقای معزز الملك مجدداً بمضمون ذیل خوانده شد) ماده سیم - ترفیع رتبه مستخدمین که شایسته از عهده انجام خدمات مرجوعه بر میآیند و دارای شرایط مقرر در نظامنامه اساسی آن وزارتخانه هستند چهار سال است.

رئیس - آقایان بیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند) قبول شد اصلاح آقای آقامحمد پروجری بیارت ذیل خوانده شد .

بنده در ماده سیم پیشنهاد میکنم اصلاحاً که بعد از (هر چهار سال یکدرجه ترفیع رتبه بدهد) نوشته شود و کمتر از چهار سال نمیتواند مگر در صورت احتیاج وزارتخانه از قبیل خالی شدن محل و امثال آن

رئیس - مطلب این همان است که در اصلاح آقای معزز الملك رأی گرفته شده اصلاح آقای معزز الملك را بخوانید - (بمضمون ذیل قرار شد)

بنده پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده ۳ اینطور نوشته شود - مستخدمینی که بطور شایسته از عهده انجام خدمات مرجوعه بر میآیند و دارای شرایط مقرر در نظامنامه اساسی آن وزارتخانه هستند دوهر چهار سال یکدرجه ترفیع رتبه با آنها داده میشود مستخدمینی که استحقاق مقام بالاتر را نداشته باشد ترفیع رتبه باو داده نخواهد شد معزز الملك

رئیس - توضیح دارید بدهید .

عز الملك - محتاج توضیح نیست فقط اشکالی که آقای معزز کردند آن قسمت اخیر اشکال را رفع میکنند .

رئیس - پس رأی میکنیم باین اصلاح آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند اغلب قیام نکردند در حد - ماده چهارم فراتر میشود .

ماده چهارم - ترفیع رتبه بر دو قسم است رسمی و افتخاری - ترفیع رتبه رسمی آنستکه شغل معینی که مقاش یکدرجه بالاتر از مقام شغل سابق مستخدمی باشد با مقرری آشفل باو دجوع شود ترفیع رتبه افتخاری آنستکه در صورت عدم احتیاج وزارتخانه یعنی خالی نبودن محل برای ارتقاء رسمی مقام بالاتری نمیتوان افتخاری مستخدمی داده شود بدون آنکه در خدمت سابقش تغییر حاصل شود ولی برای درجاتی که مقرری آن دارای قدر اقل و اکثر است مقرری

مستخدم مزبور از قدر اقل مقرری مقامی که افتخاراً نایل شده است نباید کمتر باشد و مدت خدمت در رتبه افتخاری مثل اشتغال رسمی آن مقام منظور میشود

معزز الملك - بنده پس از توضیحات آقای معزز در ماده گذشته عرض نداشتم ولی در ضمن توضیحات ماده دوم بیانی فرمودند که با آن بیان این ماده لغو میشود فرمودند که تمام رتبههایی که در این قانون نوشته شده است مستلزم یکشغلی است و اگر اینطور است آنوقت این ماده لغو میشود بجهت اینکه اگر گفتیم که مدیر اداره وقتی مدیر اداره خواهد شد که شغل مدیری باو رجوع شود که مدیر اداره باید دارای یک اداره باشد آنوقت مدیر اداره افتخاری را بنده معنیش را نمیدانم پس باید گفت که این درجات کلیتاً رتبه است نه شغل و این رتبه ها می توان نایب سفارتخانه هم باشد اگر این را تصدیق میکنند این صحیح است والا لغو است آقای معزز توضیح بدهند تا عرض کنم .

فهییم الملك - در همان موقع هم بنده عرض کردم این درجات و مقامها را که در اینجا معین شده است اسم است از برای کار و اگر رئیس شمه را فرضاً بگویند مدیر رتبه مدیری را هم که داشته باشد بیک کسی است که بتواند متصدی کار مدیری شود یعنی یا اینست که رسماً می رود بر سر آنکار مدیری می نشیند و حقوق مدیری را میگیرد و با اینست که دیگر رسماً او را نمی توان مدیر نمود این ترتیبی بود که سابقاً اتفاق می افتاد که با اینکه هیچ مدیری لازم نداشتم چندین نفر را بر سر کار می آوردند یا این که افتخاراً باو می گویند شما مقام مدیر را دارید این یک وعده است که به او می دهند که اگر در آنجا جای مدیر خالی شد شما آن مقام را دارا خواهید شد و الا ملاحظه می فرمائید اضافه موابی در این موقع باو داده نمی شود فقط اسم مدیری باو داده می شود برای این تفاوتی باو داده نشده است که بگوئیم از کار خارج است .

افتخار الواعظین - بنده در مأمورین لشکری این فرمایش آقای معزز را قبول دارم به جهت اینکه می توان گفت بیک کسی که شما دارای مقام ترتیبی هستید ولی چون هنوز مقام ترتیبی خالصی نشده است بجالتا شما در همان مقام سرتنکی باشید تا مقام سرتنکی خالی شود هر وقت مقام سرتنکی خالی شد آنجا وارد شوید ولی برای مأمورین کشوری هیچوجه این مصداق پیدا نخواهد کرد بجهت این که رتبه سرتنکی است شما مدیری یعنی چه؟ یعنی می روید با آنجا و اداره می کنید آنکارا بر آید شما سرتنکی است یا این که اداره نمی کند اگر خودش مدیر است و تمام اعضاء در تحت اداره او هستند او مدیر رسمی است و رتبه رسمی نه رتبه افتخاری و اگر او در تحت اداره دیگری است دیگری او را اداره می کند نه آنکه اجزای او را اداره می کند بنده عرض می کنم چون در مأمورین کشوری رتبه سرتنکی است هیچ عنوان افتخاری در آنجا ابدأ نمی تواند

مصداق پیدا کند و این ماده را بنده زیادی می دانم

حاج عز الملك - این جا برای این که ترفیع رتبه ۲ قسمت شد افتخاری رسمی این برای اینستکه مدت خدمت او را اجازه بدهند بیک رتبه را تحصیل کند ولی جای او خالی نیست برای این که او یک رتبه دارا باشد بانجهت این مقام افتخاری را برای او معین کردند که اگر مقام رسمی نباشد این مقام افتخاری را باو می دهند و در این صورت قدر اقل حقوق مقام رسمی را باو می دهند تا وقتی که دارای آن مقام رسمی بشود باین دلیل بود که در این جایابی نوشته شود و اگر این نباشد نمی شود بدلیل این که ۳ سال بنده خدمت کرده ام ولی مقام خالی نیست بجهت این که دیگری را نمی توانند بدارند پس افتخاری اطلاق لازم است .

معزز الملك - بنده متأسفم خیلی که لقب و شغل و رتبه بهم مخلوط شده اند بطوری که تمیز داده نمی شود شغل یک چیز معینی است رتبه چیز معینی و اینکه آقایان می فرمایند که در نظام می شود یکی باشند در کشوری نمی شود بنظر من اشتباه است در آلمان در اطریش .

رئیس - بنده عرض کردم که مخالف هستم یعنی مخالف با ماده باشد شما که موافقید حالا در بد اظهارات افتخار الواعظین را رد می کنید .

معزز الملك - آن توضیحی که آقای معزز دادند بنده با آن توضیح مخالف هستم اگر مقصود شان اینست که شغل و رتبه یکی است بنده مخالفم .

فهییم الملك - رتبه افتخاری مثل آن منصبی که داده می شود غیر از شغل است .

رئیس - آقای لواء الدوله پیشنهادی کرده اند که لفظ رتبه افتخاری از ماده چهارم حذف شود آقایانی که باین پیشنهاد موافقت قیام نمایند .

(با اکثریت رد شد)

رئیس - چون بعضی سئوالات هم هست اگر مجلس موافق است تنه این قانون بماند برای جلسه دیگر (اظهار شد صحیح است) آقای ادیب - التجار از آقای رئیس الوزرا سؤالی داشتند در باب مستخدمین ادارات بفرمائید .

ادیب التجار - یکی از مطالبی را که منتظر و متوقع بودیم از هیئت وزراء خصوصاً آقای رئیس الوزرا توجهی است بامورین که از جانب دولت هستند چه در مرکز چه در سایر ولایات مخصوص در ولایات و اصلاح آنهاست کلیتاً مأمورین موظفند از جانب دولت که بروند باو امر دولت اطاعت بکنند (کالبت بین بدی السال) باید مطیع اوامر دولت باشند بدون هیچ نظری فقط مطیع محض باشند نه اینکه در ضمن مأموریت کارهایی که از وظیفه نوکری دولت خارج است از آنها بروز و ظهور کند از ولایات بنویسند چنانچه آقایان گمان میکنند مسیوق باشد و هم فکر باینده باشد مخصوصاً از قزوین به بنده نوشته بودند از بعضی مأمورین که معاصر کار هستند ناز به عنوان نظر مسلک با مردم رفتار می کنند چه در اداره بعضی عدلیه ها و چه در مالیه ها و چه در

ادارات دیگر چه در بعضی کارگزارها در بعضی جا ها از ولایات و چندین مرتبه هم خاطر وزراء را مسبوق کرده ام این مطلب منافی است با آن وظیفه و کاری که دارند استعدا دارم توجهی در این خصوص بکنند که مأمورین از وظیفه خودشان خارج نشوند و این مردم بیچاره که از مسلک چندین خبری ندارند یعنی این مسلک هائی که بعضی هوان می کنند و الامسلک قدس است .

رئیس - بشما انتظار می کنم که از دائره نظم خارج شدید .

رئیس الوزرا - بلی از بدو تشکیل کابینه چیزی که در هیئت وزراء مذاکره شد همین مسئله مستخدمین بود که مستخدمین دولت باید واقفانهمان خدمت و اوامر دولت حاضر بشوند و داخل بعضی یارنهایا نشوند حالا اگر وزراء عزیز یارنهایا باشد عیب ندارد لکن مستخدمین اگر جزء یارنهایا بشوند و چنین شرکت بکنند یا به بعضی اجتماعات داخل بشوند داخل در هیئت مسلکی بشوند صحیح نیست بجهت وزارتخانه ها اطلاع داریم و در صد هستیم که چه در طهران چه در سایر ولایات نصفه این کار را بکنیم

رئیس - آقای سلیمان میرزا سئوالی از وزیر امور خارجه داشتند بفرمائید .

سلیمان میرزا - یکی از خصوصیات کابینه برای هر دولت مستغنی هست استقلال داخلی آن دولت است و با هیچ پروتکل و هیچ قانونی و معاهده نمیشود یعنی هیچ دولتی گویا حق نداشته باشد که در داخل دولت دیگری کسی را دستگیر بکند یا توقیف نماید و اگر چه آن شخص هم جانی باشد باید با اطلاع حکومت آن محل این کار بشود یعنی بدست حکومت محلی گرفته شود و دستگیر کردن آن جانی بعمل بیاید از قزاقی که مسوع شده چندی قبل بکنفر از اتباع روس موسوم به (ما کو خانوف) قزاقهای روس گرفته دستگیر کرده اند وقتی هم که خواسته اند او را دستگیر کنند او بخانه یکی از اتباع ایران پناهنده شده در آن خانه ایرانی هم وارد شده اند و او را دستگیر کرده اند و چون بنده در وقوع این مطلب یقین ندارم از آقای وزیر امور خارجه سؤال میکنم که آیا این مطلب بهمین ترتیب صورت وقوع یافته یا خبر او را که بهمین ترتیب صورت وقوع یافته بر رستی اقدامی شده است یا خیر ؟

وزیر امور خارجه - از باب (ما کو خانوف) پیش از آنکه بوزارت خارجه اطلاع از سفارت برسد از اداره نظریه رفتار سوا او را بوزارت خارجه اظهار کردند که بعلوه اینکه در خارجه مقصر است در اینجا هم بعضی رفتار نامناسبه میکند و وزارت خارجه هم این سوء رفتار او را ب سفارت روس گوشزد کرد و این مسئله را بعد از اینکه از سفارت روس تحقیق شد حالات او معلوم شد بواسطه جنایت بزرگی که از او سرزده در قفقاز بمحکوم به بیست سال حبس شده است روزی که جنرال فونسلوگری را از مقام میکردند او را دیده اند هاتلم و نشان هائی که برای او داده بودند مطابق کرده بوده است و در آنجا متعرض او شدند روز بعد فرستادند خودش را خواستند نهاده است

بعد بکمیسری حسن آباد اطلاع داده اند و از آنجای خودشان با پلیسهای ایران او را دستگیر نموده ب سفارت برده اند و این را بنده که بنویسم نمیتوانم درباره او چه اقدامی کرده اند فرستادم از نظریه تحقیق حکرم معلوم شد که بواسطه نظریه خودمان او را جلب کرده اند نه اینکه خودشان مستقیماً دستگیر کرده باشند در این صورت معین بود که جای هیچ اعتراض نیست بجهت اینکه بترتیب محلی رفتار کرده اند و ضمناً هم شاید مقتضی باشد که بنظر آقایان برسانم که مطابق عهدنامه که شاهزاده سلیمان میرزا اشاره فرمودند صحیح است حکومت داخلی البته با خود حکومت محلی است مطابق عهد نامه اما این نکته را هم باید دانست که آنچه معاکه اتباع روس است و آنچه راجع بزمین آنهاست مستقیماً ب سفارت روس راجع میشود ولی اگر کسی را بخواهند دستگیر کنند باید بتوسط نظریه آن محل نمایند و این است که کرده اند .

سلیمان میرزا - بنده چون این مطالب را بی اندازه مهم میدانم اساس و استقلال مملکت را بر روی این مسئله می دانم این است که بطور تحقیق خواستم بفهمم چون وزیر امور خارجه فرمودند شاید بنده درست ملتفت نشده ام بیکه خودشان اعضاء کردند و چون حاضر نشدند به با اتفاق خودشان و پلیس ایران رفتند او را دستگیر کردند و ضمناً هم فرمودند که این حق را دارند که اگر کسی را خواستند حاضر نشدند آنوقت با اطلاع دولت او را دستگیر کنند بنده اولاً خواستم بدانم در گرفتاری این شخص کاری ندارم هر کسی میخواد باشد مقصود شخص او نیست آیا در گرفتاری این ولوا اینکه اول جانی دنیاهم باشد بحکومت و هیئت وزراء اطلاع داده اند از طرف حکومت امر بگرفتاری او شده و کمیسری بحکم دولت رفته او را دستگیر کرده است یا آنکه قزاق روس از قوسولگری رفته اند بکمیسری اطلاع داده اند و کمیسری هم فرضاً دوقتر پلبس همراه آنها کرده است و رفته اند او را گرفته اند و بنظر بنده خیلی مهم است و باید موشکافی شود بنظر دقت اگر بتوسط مأمورین دولت آن مقصود مستقیماً بدون اینکه احدی مداخله بکند خود اداره نظریه با استبداد گرفته و تسلیم نمود یعنی بتوسط وزارت امور خارجه بدو اطلاع دادند و این اقدام شده با اینکه قوسولگری مستقیماً بکمیسری اطلاع داده است و با پلیس رفته اند او را دستگیر کرده اند این مطلب را میخواهم خوب ملتفت بشوم .

وزیر امور خارجه - عرض کنم اگر بشود که در امثال این جنایات هیئت دولت یا کابینه وزراء طرف مذاکره باشد کار خیلی بزرگت میافتد همه ادارات جزء بایدهمیشه تکلیف خودشان را بدانند نظریه یکی از ادارات رسمی است بطوری که همه میدانند اگر بیک سفارتخانه بیک زدنی وارد شود مبرسند نزدوزرا برای گرفتاری آنزد غیر البته خودشان مستقیماً مبرسند به نظریه نظریه هم وظیفه خودش رفتار میکند از باب این شخص هم که فرستاده اند احضار کرده اند یک غلام فرستاده اند که بیا بانو کاری داریم نه با قزاق و آنطورهای دیگر غلامی فرستاده اند و تمام اتباع خودشان را می توانند همینطور بخواهند و هیچ محل ایرادی نیست و بیکه ادوات نکرده و حاضر نشدند کرد این هم جانی است هم

متعدد آنوقت هم که با فراق فرودند بنده عرض کردم قلام فرستاده اند بنظمیه و آنجا از نظریه پلینس گرفته اند رفته اند او را جلب کرده اند به فونسلخانه و این را می توانند بجهت این که آدم آنها با پلینس باید باشد در موقع جلب چونکه پلینس ما بدون اطلاع آنها و مأمورین آنها مطابق عهد نامه نمی تواند داخل خانه اتباع آنها بشود ناچار باید يك نفری از آنها باشد که بتواند داخل خانه آنها بشوند برای جلب کمیسری و مراکز پلینس هم مکلفند که برای گرفتاری اتباع خارجه همین که از طرف نماینده آن دولت اطلاع داده شد دیگر مکلف اطلاع دادن برآکره عالی نیست و حاجت به مراجعه و مذاکره ندارد بجهت اینکه باین واسطه بسا می شود که یکوقت وقت بشود و در اینگونه مواقع مسئولیت ها با اداره پلینس وارد بیاید پسین واسطه اداره پلینس در این موارد می تواند اقدام بکند همین قدر که دانست او تبه خارجه است دیگر محتاج باین نیست که مراجعه بهیشت وزراء نماید خودش باید بوظیفه خودش رفتار کند

رئیس - آقای ادیب التجار يك سوال دیگری از وزیر امور خارجه داشتید راجع به سفارت اسلامبول برای جوابش آقای وزیر حالا حاضر هستید یا اینکه بماند برای بعد .

وزیر خارجه - بلی برای جوابش حاضر می توانم جواب عرض کنم .

ادیب التجار - اهمیت مأمورین دولت علیه در خارجه مخصوصاً در پای تخت عثمانی خیلی طرف توجه است باین وصفاتی که خاطر مبارک وزیر مسبق است از يك طرف مسئله مناقشه سرحدی آذربایجان و از طرف دیگر مسئله تمتع و از طرف دیگر که از عراق عرب می نویسند

و معاذیر دیگری که بعضی نخطبات دیگر هم میشود بودن مأمور در آنجا و فرستادن سفارت کافی را خیلی لازم می دانم و روانه کردن سفیر کبیر اسلامبول یکی از عمده چیزهایی است که باید وزراء اقدام بکنند خصوص حضرت وزیر خارجه با آن اقدامات جدی که در حفظ اتباع دولت علیه دارند از قراری که می نویسند در بعضی نوشتهجات بمجلس مقدس هم عرض کرده اند نبودن سفیر هم در آنجا خیلی

اصباب زحمت شده است و در این مدت طولانی نمی دانم چه شده که غفلت از فرستادن سفیر کافی شده است آقا فرغ این محظور شده نهیه سفیری فرموده اند و می توانید بفراوانید که همین ناچند روز دیگر سفیر کبیر وارد اسلامبول می شوند یا خیر .

وزیر امور خارجه - یکی از مسائلی که در پروگرام و در راه بود و مکمل اهمیت را داشت مسئله فرستادن نمایندگان و مأمورین دولت علیه بود باینستغای دول متعابه که از آنجمله مهمترین آنها

اسلامبول و لندن است و در این باب وزارت خارجه بطوری که می دانم بعضی مشکلاتی تصادف داش که یکی از آنها تبدیل بعضی از مأمورین و تعیین جای آنها برای اشخاصی که در این موقع حقیقه

بایستی مأمورین کافی که بتوانند خدمتی بکنند و در خارج اسباب آبرومندی دولت و ملت بشوند و جناب احتشام السلطنه که برای سفارت اسلامبول معین شده بودند تاخیرشان بکنی بواسطه حرکات و یکی بواسطه وجوهی که باید برای ایشان فرستاده شود و یکی هم بواسطه اینکه بالفعل در بران شاردن آفری نداشتیم و مأمورین که در تهران است باید عوض او را فرستاد که محل بکنی خالی نماند این ملاحظاتی شده است و نامه احضار و نامه اعتبار هم بیاست فرستاده شده است که بوصول نامه احضار و نامه اعتبار نامه احضار خودش را تقدیم امپراطوری بکند و هازم اسلامبول بشود وزارت خارجه باین کار کمال اهمیت را میدهد و نظر بمسائل مهمه که در اسلامبول داریم که چند نفر آنها را آقای ادیب التجار ذکر کردند و بعضی دیگر را ذکر نکردند خیلی لزوم دارد و مهم است

زود فرستادن مأمور و امیدوارم انشاء الله بزودی خبر و دول ایشان بآنجا برسد همینقدر که نامه های ایشان رسید تبلیغ میکنند و حرکت میکنند جای ایشان هم از آن مأمورینی که در خاک خارجه هست معین شده که چندان تاخیری نشود در مأمورین داشتن آنجا .

رئیس - دو نفر دیگر سوال هست یکی از طرف محمد هاشم میرزا راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله و یکی هم راجع بفرق شدن کمان بحر خزر بود از طرف آقای خیابانی که سوال ایشان را فرستاده بودند گویا فرستاده اند اگر حاضر هستید برای جواب امروز سوال شود .

وزیر امور خارجه - بلی جواب محمد هاشم میرزا را می توانم عرض کنم .

محمد هاشم میرزا - چندی قبل که در مجلس از وزیر امور خارجه سوال شد راجع بقتله مرحوم صنیع الدوله وعده فرمودند استنطاق و تحقیقات که بجائی رسید نتیجه را بفراوانند حالا

سوال میکنم که آیا بعد از هفتاد روز که از این مرتبه هم گذشت معلوم نشد که این شهید شهید ملیتیک استقامت شد یا از حوادث اتفاقی بود تا امروز چه اقدامی شده است میتواند امیدبخش باشد یا هم بطور منتظر بمانیم .

رئیس - خوب است حرفی که میزنند و نطقی که میفرمایند ملتفت باشند چه الفاظی را استعمال می کنند .

وزیر امور خارجه - بنده را اگر مخمس بفراوانید در باب ملتیک در این موضوع حرف بزنم امروز که روز پنجشنبه است تا امروز استنطاقات قتل مرحوم صنیع الدوله در وزارت خارجه تمام شده بود امروز عصری تمام شد و نماینده سفارت روس برای صدور حکم مجازات او آمد و امروز حکم مجازات او صادر شده است و صدور این حکم بطوریکه سفیر روس به بنده اظهار کرده بودند واطمینان دادند مجازات نمایانی بقتله مرحوم صنیع الدوله خواهند داد و قتل مرحوم صنیع الدوله هم ارتکابشان مسلم است و برده میوشی لازم ندارد

لکن در مسئله پولتیک آن میدانید چه معضراتی در داخله خردمان هست که شاید مرفوق نشدند که بدانند بجهت تحریک این اتفاق افتاده است که آنها را تحقیق بکنند حکم مجازات آنها عرض میکنم ملناً بعمل خواهد آمد .

رئیس - آقای معز الملک در باب مستخدمین خارجه سوالی داشتند حاضر هستید برای جواب **وزیر -** بله سوال بفراوانید

معز الملک - اهمیتی که مستخدمین خارجه دارند لازم بشرح و بیان بنده نیست علی الخصوص در مورد پروگرام در کابینه بوده است و اکثریت بلکه اتفاق مجلس هم بر این بوده است و همصاهی بوده اند که مستخدمین خارجه زود تر جلب بشوند خواستم سوال بکنم که وزارت خارجه آیا یکجورده میتواند بماند که این مستخدمین مادرجه مانند و کی وارد خواهند شد .

وزیر امور خارجه - آنکه مستخدمین ینگی دنیائی است فریب بگرفته است که تلگراف نماینده ایران از واشنگتن رسیده که حرکت کرده اند دور نیست که در ظرف بیست روز بتهران وارد شوند و مستخدمین که از پاریس و سوئد خواستیم اندری تاخیر شد بلاحظنه غیبت ممتاز السلطنه از پاریس که مذاکرات رایبک نقطه رسانیده بودند و چند روزی غیبت کرده بودند و نتوانست بودند که اینکار را انجام بدهند از تهران هم سواد کثرت است و بعضی شرایط کار را خواسته بودند بر ایشان هم فرستاده شد و بعضی رایورژها هم داده بودند در باب آن اشخاصی که انتخاب شده بودند که آنها هم عنقریب در کمسیون خارجه مجلس خوانده شد و بعد از فرغ آن محظور یعنی برای آن کار بکه رفته بودند و تلگراف شد که مراجعت بکنند بعد از اینکه مراجعت کردند خبر حرکت آنها را هم بتهران بدهند همین که جواب رسید بمجلس اطلاع داده میشود .

رئیس - عرض میکنم در جلسه گذشته خواهش کرده بودم که کمسیونها منعقد شود و هیئت رئیسه خودشانرا معین کنند بحال آنکه تمام معین نکرده اند و نهایت رئیسه آنها معین نشود بنده نمیتوانم بعضی قوانین و مطالبی که از وزارتخانهها میآوردند - کمسیونها بفرستم خواهش میکنم که همین امشب اینکار را بکنند که بیش از این معطل نشویم و چون قانون حقیقات از دستور امروز خارج شد مجدداً دستور جلسه بعد را عرض میکنم دستور شنبه ۱۸ قانون ثبت اسناد راجع به موادی که بکمسیون ارجاع شده شور اول در قانون استخدام سینه ۱۸ قانون قبول و تکمیل بروات شور اول در قانون پستی پنجشنبه ۲۰ قرارداد کبابی خالصجات .

معاون پست و تلگراف - بنده یک عرضی داشتم .

رئیس - کافدی از وزارت تجارت و پست و تلگراف رسیده فرائت می شود آنوقت اظهار بفراوانید ۱۳۲۹ رجب الثانی ۱۳۲۹ مجلس مقدس شورای ملی جناب محاسب الملک که معاون رسمی وزارت پست و تلگراف و بمجلس هم باین سمت معرفی شده در اینصورت که تجارت هم باین وزارت خانه

منتظم شده دانست که مشارالیه را معرفی نماید که سمت معاونت وزارت تجارت و پست و تلگراف را دارا هستند **معاون الملک -** معاونان وزارت پست - بنده عرضی که داشتم این بود مسئله کثرت سیموولتیر است که مدتی است آمده بمجلس و مواش گذشته است فقط بگماده که راجع بحقوق اوست که ناقص بود و همین طور مانده است و اینرا میدانید که مستخدم اروپائی همینکه کثرتش سر آمده نمیتواند بدون کثرت خدمت کند و نمیتواند مسئولیت داشته باشد بنده آمده ام تقاضا کنم که ایتمثله جزء دستور گذاشته شود که این کثرت بگذرد که این مطلب ختم شود .

رئیس - اگر مخالفی نیست که جزء دستور گذاشته میشود (اظهار شد صحیح است) .

فهم الملک - بر پروژای ایجاد زمین شوالائی که آقای انتظام الحکماء از معاون وزارت جنگ نمود معاون وزارت جنگ جواب دادند این اسلحه که خریده شده است مذاکره او در کمیسیون قوانین ماله شده است بنده گمان کردم شاید کمیسیون دیگری مقصودشان است بعد معلوم شد که مقصودشان همین کمیسیون قوانین ماله بوده است اینست که ناچار هم که مذاکرات کمیسیون قوانین ماله را بطور مختصر عرض کنم بطوریکه در رایورژ کمیسیون ملاحظه فرمودید کمیسیون عقیده در باب خرید اسلحه نداده است قید کرده است که انتخاب نوع اسلحه و قیمت آن بسته است بصوب و نظر کمیسیون نظام و کمیسیون بودجه که معین کند فقط همینقدر گفته شد که عجماناً پانزده هزار تفنگ و پانزده میلیون فشنگ قیمتش را معین کنند و نوع او را انتخاب نمایند و مذاکره خرید این هفت هزار تفنگ در آنجا نبوده است و بنده حالا عرض میکنم که این تفنگها بدست یابند که لازم نبوده است بنده تفنگ بنشانم شاید خیلی خوب است کار خوبی باشد لکن چون کمیسیون تصویب نکرده در این کار شرکت نداشته است میخواستم که در تشکر هم شریک نباشد .

رئیس - یک مطلبی بنده داشتم و آن این است که بتشده ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب جلسه ما منعقد بشود برعکس چند روز است بنده می بینم که سه ساعت الاربع جلسه منعقد میشود و نیم ساعت هم تلفس میشود اغلب دو ساعت بیشتر کار نمیکنیم استعاضایکم که بعد از این مراقبت شود که سه ساعت و نیم قبل از غروب و کلاه حاضر بشوند که لااقل مجلس سه ساعت بفروب مانده افتتاح شود که فروب ختم شود و دیگر همان طوری که چند روز قبل عرض کردم روز شنبه دو ساعت بظهر مانده هیئت رئیسه منتظر مغربین کمیسیونها هستند که در باب دستور مجلس با آنها مذاکرات شود .

(مجلس سه ربع از شب گذشته ختم شد) **جلسه ۳۳۵**

صورت مشروح روز شنبه ۱۵ شهر ربیع الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت و چهار دقیقه قبل از غروب برپاست آقای مومن الملک افتتاح و سه ساعت و بیست دقیقه رسماً متعقد گردید . **صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای معاضد الملک قرائت نمودند .** **[قائین جلسه قبل]** حاج امام جمعه بدون اجازه - آقا میرزا ابراهیم خان - دکتر اسمعیل خان - آقا میرزا احمد با اجازه

حاج صدق الملک - طباطبائی - معز الملک هر یک نیم ساعت از وقت مقرر دیر حاضر شدند .

رئیس - آقای حاج وکیل الرعایا راجع بصورت مجلس ملاحظه داشتید ؟

حاج وکیل الرعایا - آنچه بگوش بنده خودم راجع بجواب وزیر امور خارجه در باب دخول پلینس در خانه اتباع خارجه اینجا این جور شنیدم که پلینس نمی تواند داخل خانه اتباع روس بشود و حال آن که آنچه بنده در نظر دارم این است که وزیر امور خارجه فرمودند که پلینس باندانشتن يك نفر مأمور از طرف سفارت نمی تواند داخل خانه اتباع خارجه بشود .

رئیس - این جا هم این طور نوشته شده است **معاضد السلطنه -** وزیر امور خارجه گفت که حکم صادر شده است گفت که باید حالا حکم صادر شده باشد چونکه خودش اینجا نبود حکم صادر شده باشد این جا اشتباه شده است .

رئیس - دستور امر و قوانین ثبت اسناد شور در بنیه قانون استخدام - کثرت سیموولتیر ولی چون وزیر عدلیه و مخبر کمیسیون عدلیه حاضر نیستند اول شروع می کنیم بقانون استخدام (گفتند صحیح است) - در جلسه گذشته تا ماده چهارم خوانده شد و مذاکرات در آن بعمل آمده حالا ماده پنجم قرائت می شود .

[آقا میرزا ابراهیم ماده پنجم را ببارت ذیل قرائت نمود] **ماده پنجم -** کسانی که بعد از چهار سال خدمت در يك مقام استعاضد ارتقاء مقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حد اقل و اکثر مقرر آن مقامی را که دارا هستند بآنان اضافه مقرری دهد .

افتخار الواعظین - در ماده سیم گفتیم که هر کسی چهار سال خدمت بکند باید يك درجه ترفیع رتبه باو داده شود در اینجا می گویند که کسانی که بعد از چهار سال خدمت در يك مقام استعاضد ارتقاء بمقام عالی تر ندارند وزیر مختار است که باین حد اقل و اکثر مقرر مقامی را دارا باشد بآنان اضافه مقرری دهد .

این معلوم است که در آن مقامی که هست او برای آن مقام که مقرر می نمایند کرده است يك حد اقل و يك حد اکثر بنده عرض می کنم که شاید وزیر به چه مستخدمی در دو سال اول حد اقل و در دو سال آخر حد اکثر مقرر آن مقامی که دارا است باو بدهد یعنی از حد اقلی که برای مقام آن مستخدم معین شده است حقوق باو بدهد و هم اضافه کنند تا وقتی که رسیده به آن حد اکثر حالا اینجا میگویند که در صورتیکه چهار سال تمام شد و استعاضد ارتقاء بمقام عالیتر رانداخت ارتقاء مقام که باو داده نمیشود باو اگر گنند بیشتر که حد اقل و اکثر مقرر مقامی را که استعاضد ارتقاء باو ندارد در همان مقامی که ممکن است باو داده شود باز یک چیزی بود این را بنده نمی فهمم خوب است آقای مخبر توضیح بفراوانند .

فهم الملک - ترتیب اضافه مقرر را در ماده دیگر اگر ملاحظه بفراوانید بآن میسریم داده شده است که در ابتداء دخول بخدمت حد اقل مقرری آنرا خواهد گرفت و در هر سال یکمرتبه بیشتر هم اضافه مقرری داده نخواهد شد و در هر مرتبه بیش از ثلث تفاضل قدر اکثر بر اقل داده نمی شود مثلاً فرض بفراوانید که قدر اقل يك مقرر پنججاه تومان باشد و حد اکثر هشتاد تومان آنوقت تفاوت مابین این دو حد سی تومان میشود بعد از دو سال ممکن است دو تومان آنرا اضافه مقرری بآن مستخدمی که دارای مقام آن مقرر است بدهند اما بیشتر از ده تومان را نمیتوانند و همینطور در دو سال دویم حالا اگر يك کسی استعاضد داشته باشد که ترفیع رتبه حاصل کند که معلوم است که ترفیع مستلزم اضافه مقرر هم هست ولی اگر نداشته باشد برای این قید در آنجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرر مقام خودش را نداشته باشد برای این قید در آنجا شده است که این شخص حق گرفتن حد اکثر مقرر مقام خودش را نداشته باشد زیرا که حد اکثر مقرر هر مقام بیش از حد اقل مقرر رتبه بالاتر از اوست پس يك همچو شخصی که نمیتواند هیچ خود را بيك مقام عالیتری رساند که مقرر او را حد اکثر مقرر مقامی که دارا هست زیادتر بشود تفاوتی که برای او معین کرده ایم این است که تفاوت مابین حد اقل و اکثر مقرر باو داده شود و در حقیقت مثل این است بعد از دو سال بيك مستخدمی که خوب خدمت کرده است اضافه واجب دهنده میشود این تصویریکه میفرمایید راجع بعد اقل و اکثر مقرر این شخص همچو نیست که باو ظلمی شده باشد بلکه همان حد وسط مقام خودش را که مستحق بوده است باو دهنده است و رعایت حالش هم شده است .

دکتر علی خان - بنده از ابتداء هنوز درست ملتفت نشده ام که کمیسیون این حد اقل و اکثر برای حقوق مستخدمین معین کرده است - چه علت بوده است برای اینکه ادارات دولتی مکتب خانه که نیست تا اینکه يك کسی استعاضد بیشتر باشد بکنی کمتر دیگر اینکه شرایط و وظایفی در نظامنامه معین شده است و پروگرام که مطابق این عمل کرد البته باید که مستخدم آن اداره باشد و این کم و زیاد حقوق امضاء هم بسته بنظر وزیر است یعنی بر فرض که اضافه مقرر لازم باشد که باو داده شود باید بيك ترتیبی باشد که وزیر بدانند اگر بنا باشد که دو مرتبه بيك حد اقل و اکثر برای مقرر آن معین بشود دیگر اختیار وزیر را بنده نمی فهمم برای چیست که وزیر هر کس که مایل باشد اضافه مقرر بدهد و کلیه چیزهایی که نظر ماله در آنها هست بنده اختیار میکنم رادر آنها جایز نمیدانم کم و زیاد کردن حقوق بایستی با اطلاع و تصویب يك هیئتی باشد بیکیفتر وزیر در هر صورت شده این اختیار دادن بوزیر را میخواهم توضیح بدهند که بچه نظر بوده است .

فهم الملک - اما اینکه راجع بتفاوت استعاضد فرمودند که در ادارات ممکن نیست این برای مگر در حقیقت خیلی برضد بکنجیز واضع فرمودند بجهت اینکه اداره که دارای صدو پنجاه نفر اعضا در هر کر و ولایات است هیچ نمیتوان گفت که تمام اینها بيك درجه ساری ترفی خواهند کرد معلوم است یکی بهتر میتواند از عهده خدمت بر بیاید یکی کمتر بعضی اشخاص هستند که استعاضد کار معینی را ندارند مثل

اینکه بعضیها دفترداری را خوب میدانند بعضیها منشی هستند و این هارا هیچ نمیتوان گفت که هیچ تفاوتی بینشان حاصل نمیشود مابین مستخدمین بسا میشود یکی باشد که کار هم دارد و کار هم میکند و شرایط ابتدائی اینکار را تحصیل کرده است ولی یک طوری هست که استعداد این را که به مقام عالیتری ارتقا یابد ندارد یکی دیگر ممکن است که زودتر نفی بکند اینها یک چیزهایی است که خیلی واضح است اما آنچه را که راجع بعد اقل و اکثر مفرمانند که نباید با اختیار زیر باشد اینجا یک اندازه برای مقرری هر درجه معین شده است و هر قدری که تفاوت میکند حداکثر آرام معین کرده است و در موارد دیگر هم که هر درجه اختیار و وزیر و دادن اضافه مقرری را بجهت ترتیب معین کرده ایم و این حداکثر این حد منتهی حقوقی است که او بتواند درجه بیک مستخدمی بدهد که بودجه آن مجلس خواهد آمد در اینجا اگر خوب ملاحظه فرمائید یک اختیار ناملی بوزیر داده نشده است اینصورت را آنجا نوشته ایم که یک میزانی درست باشد که از آن اضافه نشود حالا در سایر جزئیاتش دیگر محتاج به ذکر در قانون نیست برای اینکه گمان ندارم که یک وزیر آقدر طرفاطمینان نباشد که اختیار ده تومان اضافه موجب دادن را نداشته باشد در صورتی که تمام نکات آن را در این جا معین کرده ایم و مثل این است که در حقیقت از مجلس اجازه گرفته باشد که آن اضافه واجب را بدهد.

باو بدهد آن یک چیز زیادی خواهد بود در صورتی که در اینجا بدانکه تصور فرمائید یک حد اقل و اکثری هم برای مقرری هر مقامی معین شده است که مستخدم در هر درجه هر قدر هم کافی باشد از آن زیادت تر باو داده نخواهد شد و آن چیزی را که مقصود نگارنده این لایحه بوده است تا از مجلس چه بگذرد این بوده است که وزیر در اینجا اختیار داشته باشد که بعد از آنکه استحقاق او را کاملاً فهمید باین حد اقل و اکثر یک چیزی باو بدهد برای اینکه البته آن روزی که وارد آن خدمت شده است حداکثر مقرری آنرا داشته است یک قدری روشن تر عرض کنم فرض فرمائید که حداکثر مقرری یک خدمت صد تومان است و اکثر سدوسی تومان حالا این تیرا در این جا برای این گفته اند که وزیر که بعد از چهار سال از آنی که لازم دید صدویست تومان را باو بدهد می تواند باو بدهد می تواند بدهد حالا اگر باین قدر مطلب کسی اعتراضی دارد خوب است آن را روشن تر فرمائید.

هشترودی - بنده هم فرمایش آقای مخبر را هیچ نفهمیدم اشکل بنده هم همان بود این در مقام که بوده و خدمت کرده و بعد از چهار سال استعدادهای مقام عالی تر را پیدا کرده است از فرمایشات مخبر همچو مفهوم می شود که در همان مقام که بوده است باید باشد نهایت بین حداقل و اکثر با اضافه حقوق داده میشود و فرمودند که مستخدمین در هر درجه یک قسم نیستند بلکه یکی کافی می شود یکی ناقص بنده آن ناقص را عقیده ندارم که بعد از چهار سال در آنجا باشد با اینکه اضافه موجب باو داده شود و مستخدمی که چهار سال در یک درجه خدمت بکنند ناقص است و کافی نیست بحسب آن ناقصیتش باید حقوقش تفاوت بکند و بنده هم مخالفم بر اینکه وزیر حالا مختار باشد یا نباشد بین حداقل و اکثر همچو مستخدمی اضافه حقوق بدهد.

فهمیم الملک - گفته نشده است که مقرری مقام بالاتر بلکه همین مقامی را که دارد باین قدر حداکثر و اکثر مقرری آن باو داده می شود و گفته ایم که اگر بعد از چهار سال لیاقت ارتقا مقام عالی تر را پیدا نکرده است بالاتر نبرود دیگر در همان مقام خودش که لیاقت دارد باقیست و اضافه مقرری مقام او باید اده شود.

فهمیم الملک - گفته نشده است که مقرری مقام بالاتر بلکه همین مقامی را که دارد باین قدر حداکثر و اکثر مقرری آن باو داده می شود و گفته ایم که اگر بعد از چهار سال لیاقت ارتقا مقام عالی تر را پیدا نکرده است بالاتر نبرود دیگر در همان مقام خودش که لیاقت دارد باقیست و اضافه مقرری مقام او باید اده شود.

هشترودی - بنده همان زیاد را لازم نمیدانم ولو هر قدر تصور فرمائید کافی باشد و این اضافه مقرری را که اینجا نوشته اند عقیده ندارم.

حاج وکیل الرعایا - تصور میکنم که در اینجا یک مختصر اشتباهی شده است که آقای مخبر هم بغوی توضیح فرمودند تصور میکنم که بعد از آنی که استحقاق این را پیدا کرد که وزیر یک اضافه مقرری

وزارت خانه ما هستند مثل زنجیر متصل بهم پیوسته باشند و از روزی که داخل خدمت می شوند ترفیع رتبه حاصل بکنند مثلاً کسی که چهار سال خدمتش تمام شده است و ترفیع رتبه پیدا کرده است حالا مرود اداره دیگری آنوقت از آن اداره که او بوده است باید بپایند تحقیقات یک درجه خدمت او را بخواهند که چندی مدت خدمت کرده است و ترفیع رتبه را که حاصل کرده است چه بوده است و اطلاعات او چیست و از همانجا مثل اینکه در اداره خودش بوده است بگیرند پیش بروند و در واقع این مانند خدمت او خواهد بود و در هر جا و هر اداره معفوفاست و همان ترتیب باورفتار خواهند کرد.

حاج شیخ اسدالله - چون آقای مخبر جواب این اشکل را نداده اند این است که بنده تکرار میکنم فرض فرمائید یک نفر مستخدم در این مقام که داخل اداره شده معاون بود یک سال در آن اداره خدمت کرد با همان ترتیبی که مخبر فرمودند داخل اداره دیگری شد ولی در همان اداره بواسطه لیاقت شخصی که داشته مرتبه اش را از معاونی بالا بردند و مقام ریاست باو دادند حالا ابتدای خدمتش از معاونی است یا از وقتی که بحمام ریاست رسیده است فرض فرمائید چهار سال در خدمات دولتی مشغول بوده است یکسال معاون بوده است سه سال رئیس این را باید از این مقام خدمتش را حساب کرد از ابتدائی که داخل خدمت دولتی شده است یا از وقتی که ارتقا رتبه پیدا کرده است و بتمام عالیتر رفته است و مقصود از اشکل آقای مخبر همین بود این هم خوب است آقای مخبر توضیح فرمائید که رقم این اشکل بشود.

فهمیم الملک - ملتفت عرایض بنده نشدید مرض کردم ابتداء مدت خدمت از روزی است که داخل خدمت شده است حالا بهر قسمی که می خواهد باشد میگویند فلان مستخدم چند سال است خدمت می کند بدولت میگویند بیست سال شش سالش در یک اداره بوده است چهار سالش در اداره دیگر در یک دو سال فلان جا منشی بوده است سه سال مدیر در هر حال ترفیع رتبه او تابع خدمت او است در یک اداره اگر چهار سال معاون بوده است می گویند حالا لیاقت ارتقا مقام مدیری دارد چهار سال اگر مدیر اداره بوده است آنوقت می گویند رتبه مدیر کل را لایق است که باو داد و الا اگر یک سال مدیر بوده است نمی گویند باید مدیر کل نباشد بجهت این که یکسال در مدیری بوده است بلکه ابتدای خدمت از ابتدای دخول او در خدمت و ترفیع رتبه از کلیه مدت خدمت محسوب میشود.

آقامحمد پروچردی - این شرط آخری که در این ماده است که بنویسد و دخول در اداره دیگر برضایت و اجازه آن اداره باشد که در آنجا مستخدم بوده است به عقیده بنده لازم نیست خوب است آقای مخبر توضیح بدهند مگر نمی شود که استعفا بدهد از آن خدمت که در آن بوده است و بعد داخل در اداره دیگری شود بشود بقیه بنده این در اداره که در آن بوده است اظهار رضایت بکند و اجازه بدهد که او داخل اداره دیگری بشود لازم نیست.

فهمیم الملک - این ترتیب اسباب برهم خوردن ترتیب اداره می شود که مستخدمین چه روز برضایت میل خودشان بروند در یک جا خدمت بکنند و تمام مدت گذشته را هم جزء خدمت دولت محسوب نمایند کلیه مدت خدمت محسوب میشود در هر اداره که باشد حالا اگر خوب است اگر یک مستخدمی از اداره خارج بشود و برود به اداره دیگری ممکن است اجازه بگیرد ولی آنطوری که فرمودند اگر استعفا بکیرد و برود به اداره دیگری فرمودند اگر استعفا بدهد و برود به اداره دیگری قبول خدمت بکنند مدت خدمت از آن روزی محسوب میشود که داخل آن اداره شده است ابتداء دخول رفتی محسوب می شود که رضایت نامه و اجازه از آن اداره اولی گرفته باشد و اگر اینطور نباشد اسباب برهم خوردن کی ترتیب ادارات خواهد شد.

رئیس - مذاکرات کافی است [گفتند صحیح است] می گذریم بپاره هفتم (بیادرت ذیل فرات شد) ماده (۷) کسایتیکه بخدمت دولت داخل می شوند باید براسم مذهبی پیام بدهند که بدولت و ملت حیات نخواهند کرد و در پیشرفت آنچه صلاح و صرفه مملکت و مناسبات ساعی و جاهد خواهند بود و زراء در حضور همایونی و سایر مستخدمین دولتی در حضور وزیر یا رئیس اداره خود قسم پیام می کنند.

بجهت - بنده موضوع این قسم را ناقص می دانم بجهت اینکه صرفه صلاح مملکت را از ما بخواهیم ملاحظه بکنیم که مستخدم قسم بخورد شاید یک مستخدمی صلاح مملکت را برضایت فواین موضوعه بداند و آن جائی است که پای ملت و نیلی چیزها میان می آید باید دقت که مطابق فواین موضوعه آنچه راه صرفه و صلاح مملکت بداند در پیشرفت آن ساعی و جاهد بشود و الا اگر همین طور بگوئیم کدر پیشرفت آنچه که صرفه و صلاح مملکت است ساعی و جاهد باشد آنوقت صلاح و صرفه راهر کس مطابق نظر خودش تصور می کند و بسایمی شود که هر چند فواین مملکتی هم باشد و او مجبور است بوجهت این قسم مطابق عقیده خودش عمل نماید بجهت اینکه صلاح مملکت را این جور می دانند و با پستی که مخالفت بکنند با فواین پس مطابق فواین موضوعه لازم است که نوشته بشود.

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته است معلوم می شود مخالفی نیست ماده هشت فرات می شود (از فرار ذیل خوانده شد)

ماده (۸) مقامات و درجات خدماتی که ممکن است در ادارات مرکزی وزارت خانه ها وجود داشته باشد بترتیب ذیل بوده و لزوم هر یک از این مراتب در وزارت خانه ها باید بمناز شور در مجلس شورای دولتی و هیئت وزراء بموجب فرمان همایونی در نظامنامه داخلی معین شود و هر کاه خدمت جدیدی در وزارت خانه رزم شود که در جزء مراتب ذیل اسمی از آن برده نشده پس از شور در مجلس شورای دولتی و هیئت وزراء آن خدمت احدث شده و نظر

بهاست و زحمت آن خدمت با یکی از درجات ذیل تطبیق میشود - مادامی که مجلس شورای دولتی تشکیل نشده است فقط تصویب هیئت وزراء کافی خواهد بود (۱) معاون اداری که تاحال مدیر کل بوده است (۲) مدیر کل [۲] رئیس کل [۳] - رئیس اداره [۵] رئیس شعبه [۶] نایب رئیس اداره [۷] رئیس دایره [۸] نایب رئیس دایره [۹] دبیر اول و دوم [۱۰] منشی اول و دوم و سیم (۱۱) ثبات و ضابطه.

شیبانی - اینجا درجات را بپایه تقسیم کرده اند و در صورتی که تصور می کنیم که بپایه مرتبه خیلی زیاد است و اینقدر دایره را نباید وسعت داد در صورتی که وزارت خارجه درجات را بهشت قسمت کرده است و البته اهمیت وزارت خارجه هم بیشتر از سایر وزارت خانه ها است و در صورتی که آنها بهشت قسمت کرده اند سایرین نباید زیادتر قسمت بکنند برای اینکه هر چه اداره دایره زیادتر شد تولید خرج می کنند اینجا بنویسند مدیر کل رئیس کل و رئیس اداره اینها هم بنظر بنده هیچ سمتی ندارد یکیش فرضا کافی است بدو تا وزیر منشی هم هر یک معنی دارد و یکیش هم کافی است و این استعدادهای زیادی را که در اینجا گفته اند جز تولید خرج هیچ فایده ندارد

فهمیم الملک - اینجا استعدادهای کمی که آقایان اول توضیح ماده را از مخبر کمیسیون به خواهند همه ایراد کنند این درجات زیاد نیست بجهت اینکه لازم نیست که این بپایه درجه یا ۱۲ درجه که نوشته شده است هر وزارت خانه تمام اینها را دارا باشد آن مذاکرانی که در شور کن این قانون شده که این قانون مخصوص ادارات مرکزی است و ولایات متعلق نمی گیرد تمام آن مذاکرات بایستی که در این ماده بشود بجهت اینکه این قانون از ابتدای تا اینجا چنانچه ملاحظه فرمودید مخصوص ادارات مرکزی نیست برای کلیه مستخدمین است که داخل در خدمت دولت میشوند ولی این درجات اسمی برای ادارات مرکزی است چرا بجهت اینکه معلوم است یک وزارتخانه که با صد نفر مستخدم دارد با صد درجه که برای اینها معین میکنند بلکه مراتب این بانصد نفر را بیک عدد درجه معین میکنند بهر اسمی که میخواهند مثلا میگویند اول دویم سیم چهارم پنجم یا اینکه میگویند فرضا معاون - مدیر کل - رئیس کل - منشی یا اینکه اینطور اسم میکنند از مدیر سفیر - شارژ دافتر - ژنرال - مستشار و غیره یا درجات نظامی اسم میکنند بنده مستخدمین آنوزارت خانه را تطبیق میکنند با یکی از آن درجات و مقرری برای آنها معین میکنند درجات یک چیزی است که لازمه یک شغل و کاری است وزارت خانه ها هر کدام باید بروند یک نظامنامه برای ترتیب جزئیات امور اداری خودشان بنویسند و یکی از مواد نظامنامه داخلی آنها خواهد بود که فرضا در وزارت مالیه مستخدمین آن دارای دو طبقه هستند مستخدمین ولایات و مستخدمین ادارات مرکزی آنوقت از روی این می بینند که چه چیزها لازم دارد مثلا اگر رئیس

کل لازم دارد که می نویسد والا نمی نویسد بنظر سایر مراتب حالا باید داشت که مرتبه رئیس کل چیست - رئیس کل یک چیزی نیست که بهر کسی بخواهند بگویند رئیس کل برای اینکه رئیس کل یک اختصاصاتی دارد و تقریباً اختیارات باید داشته باشد گرنه فرضاً امروز یک اداره است که رئیس کل آن باید یک تسلط مخصوصی نسبت بمأمورین ادارات خودش داشته باشد و اطلاعات او نسبت با اداره خودش بیشتر است نسبت بمدیر کل است فرضاً که ملاحظه فرمائید اختیارات او نسبت با اداره خودش بیشتر نیست یعنی آن اختصاصاتی را که (انمستتر) دارد پیش از آن چیزی نیست که (در کتر ژنرال) دارد مثلا وزارت فواید عامه یک وزارتخانه بزرگ است که حالا جزء شده است و ممکن است یک وقتی از برای او یک ریاست کلی قرار بدهند همچنین اداره وزارت پست و تلگراف یک اداره بزرگ است که ممکن است یک روزی هر یک از آنها را یک وزارتخانه قرار بدهند آنوقت برای کلیه ادارات آنها ممکن است یک رئیس کلی معین بکنند ولی مدیر کل برای اداره است که کوچک تر از آن اداره است که رئیس کل دارد که (آدمستتر) است مثلا اداره پست امروز یک مدیر کل لازم دارد همچنین اداره فواید عامه ولی ادارات پست و تلگراف یک رئیس باید داشته باشد حالا آن وزارتخانه اگر لازم بداند می نویسد یک نفر رئیس کل آنوقت مدیر کل و رئیس شعبه و غیره جزء آن می شود اما آنچه راجع به وزارت امور خارجه فرمودند که مراتب خدمت در آنجا بهشت مرتبه قسمت شده است وزارت امور خارجه هنوز هیچ رئیس کل در اداره خودش ندارد و همچنین مدیر کل ندارد مثلا یک اداره مثل اداره پست یا تلگراف امروز مدیر کل ندارد پس وقتی که کتم مدیر کل ممکن است بعضی ادارات داشته باشند و ممکن است نداشته باشد و اگر هم داشته باشد باقی رؤساء شعبه هستند همچنین رئیس اداری بعضی از ادارات ممکن است داشته باشد و بعضی ممکن است نداشته باشد هر کدام لازم دارند بنویسند و در نظامنامه های خودشان آن درجاتی را که لازم دارند معین میکنند و همان طوری که عرض کردم اینها اسم درجات مأمورین مرکزی است نه آتشی که در ولایات هستند در ولایات فرس فرمائید وزارت مالیه چند نفر مأمور خواهد داشت که رتبه آنها رتبه مدیر اول خواهد بود همچنین خراسان فارس و یکی دو نقطه دیگر ده نفر خواهد داشت که رتبه شان رتبه مدیر است و رتبه رفته نظامنامه داخلی آن اداره که تمام شد جاری تمام اعضاء اجراء آنوزارتخانه چه در مرکز چه در ولایات خواهد بود با تطبیق درجه آنها با یکی از این درجات که در اینجا نوشته شده است و برای اینکه در آنوزارتخانه که درجات معین میشود ملاحظه اشخاص نشده باشد آنرا میبرند و هیئت شورای دولتی که در آنجا در آنها نگاه میکنند و توضیحات بخواهند که این مقامات و درجات که با آنها داده شده است با کمال بیطرفی نوشته شده است یاخیر آنها که تصویب کردند میبرند با اعضاء ثبات سلطنت پادشاه